



گزارش جامع

همایش «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها»



«حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها»

انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران

سینا دادخواه
خاطره‌کرد کریمی

زیر نظر:
ابراهیم حیدری

قمصر، کاشان

شهریور ۱۳۹۸

سرشناسه: دادخواه، سینا، ۱۳۶۳ -
 عنوان و نام پدیدآور: گزارش جامع همایش «حق مالکیت ادبی»: گفته‌ها و نگفته‌ها/انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران
 : سینا دادخواه، خاطره کردکریمی؛ زیر نظر ابراهیم حیدری؛ به سفارش دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی
 وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 مشخصات نشر: تهران: نشر مورخان، ۱۳۹۸.
 مشخصات ظاهری: ۶۱ ص.
 شابک: 978-622-086716-6
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 موضوع: حق مولف -- ایران -- کنگره‌ها
 Copyright -- Iran -- Congresses
 موضوع: حق مالکیت -- ایران -- کنگره‌ها
 Right of property -- Iran -- Congresses
 موضوع: حق مالکیت ادبی: گفته‌ها و ناگفته‌ها(۱۳۹۷: قمصر)
 شناسه افزوده: کرد کریمی، خاطره، ۱۳۶۹ -
 شناسه افزوده: انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران
 شناسه افزوده: ایران. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی
 شناسه افزوده: همایش حق مالکیت ادبی: گفته‌ها و ناگفته‌ها(۱۳۹۷: قمصر)



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 معاونت امور فرهنگی
 دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی



عنوان کتاب:	گزارش جامع همایش «حق مالکیت ادبی: گفته‌ها و نگفته‌ها»
نویسنده:	سینا دادخواه، خاطره کرد کریمی
زیرنظر:	ابراهیم حیدری
ویراستار:	رضا گرشاسبی
ناشر:	مورخان
امور فنی و هنری:	امیر نیکبخت - حمید جوکار
نوبت چاپ:	اول ۱۳۹۸
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۰۸۶۷۱۶-۶
به سفارش:	دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
نشانی:	خیابان قائم مقام فراهانی، خیابان فجر، نبش کیهان، ساختمان فجر، طبقه سوم، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی و کتابخوانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
تلفن:	۸۸۳۴۲۹۸۰

فهرست

۷	سخن آغازین
۹	پیش‌زمینه
۱۱	شکل‌گیری انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران
۱۲	انجمن و برگزاری همایشی با موضوع حق انتشار و مالکیت فکری
۱۴	تاریخچه‌ی حق مالکیت فکری
۱۴	در جهان
۱۵	در ایران
۱۶	وضعیت فعلی قوانین مربوطه و تلاش‌ها برای بهبود آن در ایران
۱۷	سابقه‌ی جدل‌های فکری میان روشنفکران در این زمینه
۱۹	جمع‌بندی سوابق و قوانین
	نگاه عمومی فعالان حوزه‌ی ادبیات داستانی به مسئله‌ی رعایت
۲۰	حقوق مربوط به مالکیت ادبی
۲۰	دیدگاه‌های نویسندگان
۲۷	دیدگاه‌های مترجمین

- ۳۱ دیدگاه‌های ناشرین
- ۳۵ دیدگاه سیاست‌گذاران
- ۳۷ هدف‌گذاری مسیر پیش مطالعات همایش**
- ۳۷ محورهای همایش
- ۳۸ یک ویژگی بسیار مهم: آگاهی بخشی عمومی
- ۳۹ طراحی نهایی فرم و محتوای نشست‌ها
- ۴۱ کاشان، پایتخت کتاب
- ۴۲ همایش «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها»**
- ۴۲ روز نخست
- ۴۴ سخنان رئیس هیئت‌مدیره‌ی انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران
- ۴۵ سخنرانی استاد جواد مجابی
- ۴۷ نشست اول: گفت‌وگو با نهادهای حکومتی
- ۵۰ نشست دوم: گفت‌وگو با ناشرین و پژوهشگران حوزه‌ی نشر
- ۵۴ روز دوم
- ۵۴ نشست سوم: گفت‌وگو با نویسندگان، مترجمان و ویراستاران
- ۵۸ چکیده نظرات و نتایج و دست‌آوردها**
- ۵۸ چرا به پیمان‌های بین‌المللی حامی حق انتشار نمی‌پیوندیم؟
- ۵۹ لایحه‌ی کنونی چه مزایایی دارد؟
- ۶۱ نویسندگان، مترجمان، ناشران و دولت چگونه در این زمینه باید باهم تعامل کنند؟
- ۶۲ نویسندگان تا چه حد به حقوق قانونی خود آگاه‌اند؟
- ۶۲ براساس قوانین فعلی، نویسندگان از چه حقوقی برخوردارند؟
- ۶۴ وظیفه نویسندگان برای سامان دادن به حقوق ادبی؟
- ۶۵ جمع‌بندی**

سخن آغازین

پژوهش‌های کاربردی در دستگاہ‌های دولتی ابزاری برای بهبود وضع موجود هستند. این پژوهش‌ها ضمن ارائه تصویری از گذشته، با بررسی ضعف‌ها و کاستی‌ها افق‌های جدیدی را پیش رویمان می‌گشایند.

با این حال، روند طولانی انجام یک پژوهش از یک سو و هزینه بالا، پیچیدگی و فاصله‌ای که میان پژوهش‌های علمی و آکادمیک با مسائل و مشکلات اجرایی وجود دارد، معمولاً مانع تبدیل پژوهش‌ها به متن‌های سیاستی یا برنامه‌های تأثیرگذار در سازمان‌ها و دستگاہ‌های اجرایی می‌شود. تدوین گزارش‌های کارشناسی و راهبردی، راه میان‌ه‌ای است که هم‌زمان را کوتاه‌تر می‌کند و هم به آسانی به متن‌های سیاستی و برنامه‌های تبدیل می‌شود. گزارش کارشناسی و راهبردی اگرچه ادبیاتی نسبتاً غنی در کشورهای توسعه‌یافته دارد، اما در کشور ما سازمان‌ها آشنایی چندانی با آن ندارند و اقبال چندانی به این شکل از گزارش نشان نمی‌دهند.

با توجه به این کاستی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی در سه سال گذشته با استفاده از تجربه‌های ملی و جهانی، تدوین گزارش‌های کارشناسی و راهبردی در خصوص مسائل فرهنگی حوزه معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی را در دستور کار خود قرار داد.

این گزارش‌ها که توسط کارشناسان و متخصصان حوزه‌های مطالعاتی تهیه می‌شود به بیانی ساده و روشن مسائل مورد مطالعه را توضیح می‌دهند و رویکردهای سازمان در حل مشکل و راهکارهای پیشنهادی برای حل یا برون رفت از مشکل را مورد موشکافی قرار می‌دهند یا راه حل‌های جدیدی پیشنهاد می‌دهند و نتایج حاصله در اختیار ذی‌نفعان، تصمیم‌گیران و مدیران ذی‌ربط قرار می‌گیرد تا نقش مؤثری در انتخاب بهترین و مؤثرترین راه‌ها باز کند.

آنچه ارائه می‌شود، یکی از گزارش‌هایی است که به عنوان پایه‌ای برای بحث و ارزیابی بیشتر تهیه شده است. این گزارش در کنار بررسی وضع فعلی به ارائه راهکارهایی برای حل مسائل می‌پردازد. بدیهی است با بحث و بررسی این متن و نقد پیشنهادهای ارائه شده، می‌توان به توافق درباره راهکارهای درست دست یافت و آن را به متن‌های سیاستی و برنامه‌های تأثیرگذار در ساختارها تبدیل کرد. با این هدف، نسخه‌هایی از این گزارش در دسترس مدیران، دست‌اندرکاران و ذی‌نفعان قرار می‌گیرد تا شروعی برای گفت و گویی سازنده در این حوزه باشد.

دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی

پیش‌زمینه

مکس اشتیرنر، فیلسوف آلمانی، ابتدای فصل حقوق بشر کتابش، «او و هر آنچه از اوست»^۱، می‌نویسد: «آن‌ها حق مرا برای تصاحب برده از من گرفته‌اند.» همین جمله‌ی به‌ظاهر متناقض به یادمان می‌آورد اساس آنچه حق می‌نامیم فقط مقرارتی است که قانون‌گذاران در برهه‌های زمانی مختلف به نفع این دسته یا آن دسته وضع کرده‌اند. در طبیعت هیچ حقی به خودی خود وجود ندارد؛ حق مخصوص جوامعی است با ساز و کاری قانونی و نهادهای نظارتی.

مالکیت فکری^۲ شاخه‌ای از مالکیت است که آفرینش‌های ناملموس انسانی را زیر پوشش قرار می‌دهد و عمدتاً به سه دسته‌ی حق انتشار (کپی‌رایت)، ثبت اختراع و علائم تجاری تقسیم می‌شود. قوانین مربوط به این شکل از مالکیت رابطه‌ی میان فرد با جمع را سامان می‌دهد و در بیشتر موارد از فرد در برابر جمع دفاع می‌کند. حق ترجمه، حق تنظیم و اقتباس، حق اجرای عمومی، حق روحانی عمومی، حق برقراری ارتباط عمومی، حق پخش رادیویی و تلویزیونی، حق بازتولید و حق استفاده از اثر به‌عنوان مبنای اثر دیداری‌شنیداری دیگر از جمله‌ی حقوقی است

1. The Ego and its Own by Max Stirner

2. Intellectual property

که حقوق انحصاری مؤلف خوانده می‌شوند. وضع و اجرای قوانین مربوط به حق انتشار به خالقان آثار انگیزه‌ی ایده‌پردازی یا تولید محصولات بی‌عیب می‌دهد و از آثار آنان در برابر تعرض و سوءاستفاده‌ی دیگران حمایت می‌کند.

پیمان برن برای حفاظت آثار ادبی و هنری که در ایران به کنوانسیون برن مشهور است، توافقی بین‌المللی در حوزه‌ی حق انتشار است که در ۱۸۸۶ در برن سوئیس حاصل شد. ۱۷۳ کشور عضو سازمان ملل متحد پایبند به این توافق ملزم‌اند با آثار دیگر کشورهای عضو دست کم برابر با قوانین داخلی حق انتشار کشور خودشان رفتار کنند. برای مثال قوانین مربوط به حق انتشار فرانسه برای تمام آثاری که در فرانسه چاپ می‌شوند صادق است، فارغ از اینکه محل اصلی آفرینش کتاب کجا باشد. این توافق افزون‌بر راه‌اندازی نظامی که در زمینه‌ی احقاق حقوق مؤلف سیاستی واحد و هماهنگ دارد، از کشورها می‌خواهد تا استانداردهای حداقلی قوانین مربوط به حق انتشار را رعایت کنند. ایران، آنگولا، کامبوج، تیمور شرقی، استونی، عراق، جزایر مارشال، نائورو، پالائو، مالدیو، سان مارینو، سیرالئون، جزایر سلیمان، سومالی، تایوان و اوگاندا تنها کشورهایی هستند که تا سپتامبر ۲۰۱۸ هنوز به این پیمان نپیوسته‌اند.

البته عدم عضویت ایران در پیمان برن به معنای عدم وجود قوانین حمایتی داخلی نیست. مجلس شورای ملی ایران در آذر ۱۳۴۸ مجموعه قوانینی را زیر عنوان قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به تصویب رساند که در زمانه‌ی خود از پیشروترین قوانین موجود در جهان بود. پیش‌نویس لایحه‌ی جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط نیز در سال ۱۳۹۰ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به دولت ارائه شد.

از آنجا که کشورها تا حد زیادی بر قوه‌ی ابتکار شهروندان‌شان تکیه دارند، می‌توان حمایت از مالکیت فکری را اصلی‌ترین عنصر در فرآیند توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دانست. با این وجود دور از ذهن نیست که

تیین قوانین محدودکننده‌ی این چنینی در کنار موافقانی دوآتشه، مخالفانی سرسخت هم داشته باشد؛ مخالفانی که بضاعت محدود بازار داخلی و نابرابری حجم و کیفیت تولید محصولات فرهنگی در سطح جهان را دستمایه‌ی استدلال‌های خود قرار می‌دهند. با این تفصیل، بررسی نقطه‌نظرات موافقان و مخالفان پیوستن به پیمان‌های بین‌المللی حق انتشار و تصویب و تکمیل لایحه‌ی جامع حمایت از مالکیت فکری آثار ادبی و هنری نیازمند جلسات گفت‌وگو منظم و جهت‌دار است. در همین راستا، انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران بر آن شد تا با برگزاری همایشی با موضوع حق انتشار به هم‌فکری پیرامون مسائل و مصائب مربوط به این حوزه بپردازد.

در ادامه بی‌مناسبت نیست که چند کلمه‌ای درباره‌ی چرایی شکل‌گیری انجمن و چشم‌انداز پیش روی آن بگوییم.

شکل‌گیری انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران

محمد حسینی، عضو و سخنگوی مجمع مؤسسان انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران، در توضیح چگونگی شکل‌گیری انجمن می‌نویسد: «نیازمند بازگویی و تاکید نیست که فقدان نهادی برآمده از دل دغدغه‌های صنفی داستان‌نویسان ایرانی، از بزرگ‌ترین حسرت‌های نویسندگان ما بوده است. در تمام این سال‌ها، در جلسات رسمی، مصاحبه‌های مطبوعاتی و گپ‌های خودمانی، همواره رشته‌ی کلام به این موضوع گره می‌خورد که؛ هم نهادهای خصوصی قدیمی و هم سازوکارهای برساخته‌ی حکومت، آن چه را در فعالیت‌های خود از یاد برده‌اند یا به دلایل متعدد نتوانسته‌اند انجام دهند، حمایت از داستان‌نویسی به عنوان یک شغل است. مواردی همچون حمایت ساختاریافته و صنفی از داستان‌نویسان، پیوستن به قانون کپی‌رایت جهانی، مشارکت با ناشران در تدوین قراردادهای نشر آثار، جلوگیری از سرقت‌های ادبی، هدایت دولت در جهت شفاف‌سازی موانع انتشار و حمایت از منافع نویسندگان در عرصه‌های دیگر که به نوعی متضمن فعالیت

داستان‌نویسان در کشور است.

در مردادماه سال ۱۳۹۵، در جمع کوچکی از نویسندگان پس از گفتگوی همیشگی در مورد نبود چنین نهادی، گام دوم برداشته شد. یعنی این که چرا که نه؟ چرا نباید به سمت ساخت چنین نهادی حرکت کرد؟ گرچه نباید از یاد برد که احتمال همراهی دولت کنونی در برابر خواسته‌ی به‌حق نویسندگان نیز در برداشتن گام دوم، تاثیر داشت. به خصوص که کمابیش هم‌زمان با ما سینماگران، مترجمان و ایراستاران و نویسندگان کودک و نوجوان نیز گام‌هایی در این مسیر برداشته بودند که آن جمع اولیه در ارتباط با فعالان این صنوف از تجربیات آنان نیز استفاده کردند. به هر حال این جمع به صورت جدی‌تر ماجرا را پی گرفتند.

در تاریخ یازده اسفند جلسه‌ی مجمع مؤسسان با حضور ۲۸ نویسنده تشکیل شد تا بررسی روند کار و بحث و تدقیق در مورد اساسنامه صورت گیرد. باید تأکید شود که وظیفه‌ی مجمع مؤسسان رساندن انجمن صنفی داستان‌نویسان به مجمع عمومی و انتخابات هیئت مدیره است. بعد از انتخاب هیئت مدیره، اعضای مجمع مؤسسان شأنی برابر سایر اعضای انجمن دارند. پس هدف نهایی، تشکیل مجمع عمومی و انتخاب هیئت مدیره‌ی انجمن است. پس از تأیید اساسنامه از سوی وزارت کار و طی زمان مشخص برای عضوگیری، مجمع عمومی با حضور حد نصاب قانونی و نیز نماینده‌ی وزارت کار تشکیل شد تا هیئت مدیره انتخاب شوند. احمد پوری، محمدحسن شهسواری، کامران محمدی، محمد حسینی، محسن حکیم‌معانی، مهدی افروزمنش و ضحی کاظمی به‌عنوان اعضای هیئت مدیره برگزیده شدند.

انجمن و برگزاری همایشی با موضوع حق انتشار و مالکیت فکری

پس از تشکیل این انجمن تصمیم گرفته شد تا با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با هدف «ایجاد فرصت تعامل مستقیم مؤلفین، ناشرین و تصمیم‌گیران در سطوح کلان پیرامون مسئله‌ی حق مالکیت فکری»، «بررسی ظرفیت‌های قانونی کشور در این حوزه»، «ریشه‌یابی موانع موجود بر سر پذیرش و اجرایی کردن

پیمان‌های بین‌المللی مربوطه» و «بررسی راه‌های دغدغه‌مند کردن جامعه پیرامون مسائل مربوط به حق مالکیت فکری آثار ادبی» مقدمات برگزاری همایشی با عنوان «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها» فراهم شود.

سینا دادخواه، از اعضای انجمن صنفی داستان‌نویسان، از سوی هیئت‌مدیره‌ی انجمن به دبیری همایش «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها» برگزیده شد. او در مصاحبه‌ای با خبرگزاری کتاب، ایننا، از دلایل و ضرورت‌های برگزاری این همایش می‌گوید:

«به نظر می‌رسد یکی از موانع موجود بر سر راه ورود ما به بازارهای جهانی کتاب، مساله حق انتشار و عدم عضویت در پیمان برن است. دلایل متعددی در تحلیل چرایی عدم پایبندی ما به قانون کپی‌رایت و سایر قوانین الزام‌آور در این حوزه وجود دارد که بخشی از آن‌ها مبهم و بخشی آشکار است. ما قصد داریم در این همایش از خلال همفکری و هم‌افزایی جامعه‌ی مدنی، از جمله انجمن صنفی داستان‌نویسان استان تهران، اتحادیه‌ی ناشران، دانشگاه‌ها، حقوقدانان، مترجمان و همچنین نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر نظیر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و کمیسیون فرهنگی مجلس، عزم و اراده تازه‌ای را برای طرح مجدد موضوع کپی‌رایت در مجلس ایجاد کنیم، چرا که می‌توان کپی‌رایت را در یک تعریف وسیع‌تر به حقوق شهروندی نسبت داد و از این جهت موضوع کپی‌رایت می‌تواند به عنوان یکی از مطالبات ما از دولت مورد توجه قرار بگیرد.»

او با اشاره به مخالفت برخی ناشران خصوصی با پیوستن به پیمان‌های مربوط به حق انتشار گفت: «جداً از بی‌علاقگی برخی نهادهای بالادستی، رعایت قانون کپی‌رایت برای برخی ناشران از جمله ناشران دانشگاهی منجر به افزایش قیمت کتاب‌ها خواهد شد و از این رو ممکن است دانشجویان از عهده خرید کتاب‌ها برنایند. به همین خاطر این ناشران کشتی به موضوع کپی‌رایت نشان نمی‌دهند. البته نباید فراموش کنیم که بسیاری از ناشران عمومی در سال‌های اخیر،

به صورت داوطلبانه اقدام به خرید یا جلب رضایت نویسندگان و ناشران خارجی کرده‌اند. امیدواریم در این همایش بتوانیم مساله کپی‌رایت را از همه جنبه‌های آن آسیب‌شناسی کنیم و به نتایج عملی تازه‌ای برسیم. در این همایش دو روزه که با همکاری دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی این وزارتخانه برپا می‌شود، برای اولین بار افراد و نهادهای جامعه مدنی وارد بحث شوند و موضوع کپی‌رایت شکل عمومی‌تری به خود بگیرد.»

در قدم بعد، خانم‌ها خاطره کردکریمی به دبیری اجرایی و آرزو شهبازی به دبیری خبری همایش انتخاب شدند.

تاریخچه‌ی حق مالکیت فکری

در جهان

اولین قانون مربوط به حق مؤلف در دنیا «قانون آن^۱» است که پارلمان انگلیس در سال ۱۷۱۰ میلادی وضع کرد تا مؤلف به عنوان دارنده‌ی حق صدور جواز نسخه‌برداری به رسمیت شناخته شود. اولین استفاده‌ی ثبت شده از عبارت «مالکیت فکری» هم به مقاله‌ای از ماهنامه‌ی نقد لندن^۲ در ۱۷۶۹ برمی‌گردد. اولین نمونه‌ی روشن استفاده‌ی مدرن از این عبارت به عنوان مجموعه‌جستاری برمی‌گردد که در ۱۸۰۸ به چاپ رسید.

در سال ۱۸۸۳ توافقی در پاریس با عنوان پیمان پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی^۳ حاصل شد که بر مالکیت صنعتی، در مفهوم وسیع آن نظارت دارد و در مقوله‌ی رسیدگی به مسائلی چون اختراعات، علامت تجاری، طرح‌های صنعتی، مدل‌های اشیاء مصرفی، اسامی تجاری، نشانه‌های جغرافیایی و جلوگیری از رقابت غیرمنصفانه به‌عنوان سندی پایه مورد استفاده قرار می‌گیرد. در سال ۱۸۹۳، هیئت

1. The Statute of Anne

2. Monthly Review (London)

3. Paris Convention for the Protection of Industrial Property

اجرایی پیمان پاریس^۱ (۱۸۸۳) و پیمان برن (۱۸۸۶) پس از ادغام در برن مستقر شد و عبارت «مالکیت فکری» را هم در عنوان جدیدشان، دیوان متحد بین‌المللی حفاظت مالکیت فکری^۲، به کار رفت. این سازمان در سال ۱۹۶۰ به ژنو منتقل شد و با تأسیس سازمان جهانی مالکیت فکری در سال ۱۹۶۷ به یکی از آژانس‌های سازمان ملل متحد ارتقا پیدا کرد. بعد از این رویداد است که این عبارت وارد ادبیات رسمی ایالات متحده شد که تا آن روز هنوز به پیمان برن نیوسته بود.

حقوق مالکیت فکری به دو دسته‌ی «مالکیت معنوی» و «مالکیت مادی» تقسیم می‌شود. مالکیت معنوی صرفاً جنبه‌ی اعتباری دارد و برای حفاظت از مالکیت به مالک امکاناتی می‌دهد. مثلاً نویسنده‌ی یک کتاب، به جز این که نامش به عنوان پدیدآورنده‌ی اثر برده می‌شود، می‌تواند اجازه‌ی انتشار آن را بدهد (یا مانع نشر آن شود) و همچنین جلوی تحریف آن را بگیرد. مالکیت مادی شامل اعطای بهره‌برداری مالی و منافع تجاری حاصل از مالکیت فکری و در نتیجه اعطای درآمدهای حاصل از آن به مالک مادی است که می‌تواند شخصی حقیقی یا حقوقی باشد. مالکیت معنوی به هیچ عنوان قابل واگذاری نیست، اما مالکیت مادی قابل خرید و فروش است.

در ایران

ایران در سال ۱۹۵۹ به «پیمان پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی» پیوست، از سال ۲۰۰۱ عضو «سازمان جهانی مالکیت فکری» است و در سال ۲۰۰۳ به پیمان مادرید برای ثبت بین‌المللی علائم^۳ ملحق شد. این کشور در سال ۲۰۰۵ نیز به جمع امضاء کنندگان توافقنامه لیسبون برای حفاظت نام خواستگاه و ثبت بین‌المللی^۴ پیوست که حفاظت از نام جغرافیایی مرتبط با محصولات را تضمین می‌کند. ایران

1. Paris Convention

2. United International Bureaux for the Protection of Intellectual Property

3. Madrid Agreement Concerning the International Registration of Marks

4. Lisbon Agreement for the Protection of Appellations of Origin and their International Registration

تاکنون پیمان برن را امضاء نکرده است و عضو هیچ یک از پیمان‌های بین‌المللی مربوط به حق تکثیر نیست. این کشور در سازمان تجارت جهانی^۱ تنها عضو ناظر است و به موافقت‌نامه‌ی تریپس^۲ (موافقت‌نامه در مورد جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری) هم نپیوسته است.

با این حال، در حوزه‌ی مالکیت فکری مقررات مختلفی در ایران وجود دارد. قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آئین‌نامه‌ی اصلاحی آن مصوب ۱۳۳۸ به حق مخترع و مالکیت فکری در حوزه‌ی صنعت و تجارت می‌پردازند. در زمینه‌ی حق مؤلف و هنرمند نیز «قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۳۴۸ و آئین‌نامه‌ی اجرائی آن مصوب ۱۳۵۰ در کنار قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ از منابع مرجع قانونی حقوقی ایران است.

وضعیت فعلی قوانین مربوطه و تلاش‌ها برای بهبود آن در ایران

در سال ۱۳۹۳ «لایحه‌ی جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط» با حدود ۱۳۰ ماده در بیش از ۱۵۰ جلسه‌ی کمیسیون لوایح دولت مورد بررسی قرار گرفت و پس از تأیید و تصویب نهایی در هیأت دولت، به مجلس ارائه شد. این لایحه مشتمل بر سه کتاب مالکیت ادبی و هنری، حقوق مرتبط با مالکیت صنعتی و مالکیت علمی است و در صورت تصویب جایگزین تمامی قوانین داخلی موجود در حوزه‌ی حق مالکیت فکری خواهد شد. در تدوین این لایحه، هم تأمین منافع پدیدآورندگان داخلی در عرصه‌های ملی و بین‌المللی کشور و هم انطباق آن با پیمان‌های بین‌المللی مد نظر قرار گرفته است. در مورد لحاظ شدن بحث پیوست فرهنگی در این لایحه نیز حداقل‌های موافقت‌نامه‌ی تریپس که یکی از چند موافقت‌نامه‌ی الزام‌آور سازمان تجارت جهانی است، لحاظ شده است تا با رعایت این حداقل‌ها زمینه الحاق ایران به پیمان‌های بین‌المللی فراهم شود.

1. World Trade Organization

2. TRIPS Agreement

این لایحه در حال حاضر در دستور کار مجلس است و در نوبت بررسی در کمیسیون حقوقی - قضایی قرار دارد. به گفته لادن حیدری، مدیرکل حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نمایندگان مجلس برای اولویت بخشی به تصویب لایحه‌ی جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط قول مساعد داده‌اند.

سابقه‌ی جدل‌های فکری میان روشنفکران در این زمینه

دکتر نصرالله پورجوادی، رئیس سابق مرکز نشر دانشگاهی، در مقاله‌ی «کپی‌رایت و تجربه‌ی مرکز نشر دانشگاهی» از پیشینه‌ی بحث‌ها و جدل‌ها پیرامون مسئله‌ی حق انتشار در میان نویسندگان و مترجمان می‌نویسد: «نخستین کسی که بعد از انقلاب مقاله‌ای در دفاع از پیوستن ایران به پیمان حقوق نشر نوشت و ما آن را در نشر دانش (آذر-دی ۱۳۶۸) چاپ کردیم، آقای کریم امامی بود. کریم امامی در مقاله‌ی خود درباره‌ی مسئله‌ی ترجمه‌های مکرر از یک کتاب که آن روز برای مترجمان زبان فارسی پیش آمده بود، سخن گفت. در آن سال‌ها از کتاب سمرقند، تألیف امین معلوف، چهار ترجمه‌ی مختلف فارسی شده بود که چهار ناشر می‌خواستند آن‌ها را چاپ کنند. امامی در مقاله‌ی خود تخمین زده بود که ۲۰ درصد از کل ترجمه‌های چاپ اول (از رمان‌های اروپایی) تکراری است و راه حل منطقی برای جلوگیری از این دوباره‌کاری‌ها، از نظر او، پیوستن ایران به پیمان حفظ حقوق نشر یا کپی‌رایت بود. البته امامی در آن زمان خود واقف بود که کسی آمادگی پذیرفتن چنین پیشنهادی را ندارد و حق هم با او بود. امامی از سال‌ها پیش زمزمه‌هایی درباره‌ی لزوم پیوستن ایران به این پیمان کرده بود و لی به قول خودش این زمزمه‌ها همه در عالم نظر بود، نه در عالم عمل.

مقاله‌ی امامی اعتراضاتی هم در پی داشت؛ چیزی که من پیش‌بینی آن را نکرده بودم. بعضی از این اعتراضات شفاهاً با من در میان گذاشته شد، حتی از جانب بعضی شخصیت‌های سیاسی. [...] واکنش دیگر به مقاله‌ی امامی پاسخ آقای

نجف دریابندری بود با عنوان «گپ انغوزه» که آن هم در نشر دانش چاپ شد (سال ۱۰، ش ۲). دریابندری در یادداشت خویش یادآور شده بود که در زمان شاه هم با پیوستن به پیمان کپی‌رایت مخالفت کرده بود. نظر وی این بود که هنوز زود است ایران بخواهد به این پیمان گردن نهد. استدلال او، به‌طور خلاصه، این بود که ما اولاً به آثار فرهنگی غرب احتیاج داریم و باید آن‌ها را وارد فرهنگ خود کنیم و چون بهای آن‌ها را نمی‌توانیم پردازیم، لذا نباید وارد پیمان کپی‌رایت شویم. ثانیاً، چون گرفتن معجز از ناشران خارجی مستلزم پرداخت ارز است، اگر ایران به پیمان کپی‌رایت بپیوندد، در آن صورت دولت باید دخالت کند و ارز لازم را به ناشران داخلی پردازد که این نوع دخالت‌های دولتی هم به زیان نویسندگان و ناشران به‌طور کلی صنعت نشر است.

جمع‌بندی سوابق و قوانین

- اولین قانون مربوط به حق مؤلف در دنیا «قانون آن» است که پارلمان انگلیس در سال ۱۷۱۰ میلادی وضع کرد.
- در سال ۱۸۸۳ توافقی در پاریس با عنوان پیمان پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی حاصل شد که بر مالکیت صنعتی، در مفهوم وسیع آن نظارت دارد.
- در سال ۱۸۹۳، هیئت اجرایی پیمان پاریس (۱۸۸۳) و پیمان برن (۱۸۸۶) پس از ادغام در برن مستقر شد و عبارت «مالکیت فکری» را هم در عنوان جدیدشان، دیوان متحد بین‌المللی حفاظت مالکیت فکری، به کار رفت.
- حقوق مالکیت فکری به دو دسته‌ی «مالکیت معنوی» و «مالکیت مادی» تقسیم می‌شود.
- ایران در سال ۱۹۵۹ به «پیمان پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی» پیوست، از سال ۲۰۰۱ عضو «سازمان جهانی مالکیت فکری» است و در سال ۲۰۰۳ به پیمان مادرید برای ثبت بین‌المللی علائم ملحق شد.
- ایران در سازمان تجارت جهانی تنها عضو ناظر است و به موافقت‌نامه‌ی تریپس

«موافقت‌نامه در مورد جنبه‌های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری» هم نبیوسته است.

● در زمینه‌ی حق مؤلف و هنرمند نیز «قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان» مصوب ۱۳۴۸ و آئین‌نامه‌ی اجرائی آن مصوب ۱۳۵۰ در کنار قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲ از منابع مرجع قانونی حقوقی ایران است.

● در سال ۱۳۹۳ «لایحه‌ی جامع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط» با حدود ۱۳۰ ماده در بیش از ۱۵۰ جلسه‌ی کمیسیون لوایح دولت مورد بررسی قرار گرفت و پس از تأیید و تصویب نهایی در هیأت دولت به مجلس ارائه شد.

● این لایحه مشتمل بر سه کتاب مالکیت ادبی و هنری، حقوق مرتبط با مالکیت صنعتی و مالکیت علمی است.

● این لایحه در حال حاضر در دستور کار مجلس است و در نوبت بررسی در کمیسیون حقوقی - قضایی قرار دارد.

نگاه عمومی فعالان حوزه‌ی ادبیات داستانی به مسئله‌ی رعایت حقوق مربوط به مالکیت ادبی

مواضع نویسندگان، مترجمان و ناشران در مقوله‌ی حق انتشار نقاط اشتراک و افتراقی دارد. ستاد خبری همایش «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها» برای بررسی نقطه‌نظرات و کمک به طراحی محتوایی، همایش سلسله گفت‌وگوهایی را با طیف گسترده‌ای از دست‌اندرکاران حوزه‌ی نشر انجام داد.

دیدگاه‌های نویسندگان

احمد پوری، رئیس هیئت مدیره‌ی انجمن صنفی داستان‌نویسان، شاعر و مترجم برجسته‌ی کشورمان، درباره‌ی فواید پیوستن به پیمان‌های بین‌المللی حق انتشار

می‌گوید «با پیوستن ما به معاهده‌ی کپی‌رایت، دیگر این شیوه که هر کتابی به دستمان رسید ترجمه کنیم، بی‌آنکه اطلاع داشته باشیم فرد دیگری در حال ترجمه آن است، کم‌رنگ خواهد شد. چرا که در این صورت کاملاً مشخص خواهد بود هر ناشر یا نویسنده با کدام مترجم قرارداد بسته و اگر ترجمه‌ی دیگری از آن کتاب به بازار بیاید، قابل تعقیب و پیگیری است. این مساله در درازمدت به نفع کتاب‌های با کیفیت‌تر و مترجمان باصلاحیت‌تر خواهد بود.

او درباره‌ی نگرانی‌های برخی ناشران مبنی بر افزایش قیمت کتاب‌ها در صورت رعایت قانون کپی‌رایت می‌افزاید: «این موضوع در درازمدت به نفع ناشر خواهد بود. چون ناشر می‌تواند آثاری با ترجمه‌ی حساب شده و قابل قبول به بازار بفروشد. البته شاید نگرانی برخی ناشران بابت قیمت کتاب تا حدودی قابل فهم باشد، اما واقعیت این است که غیر از کتاب‌های استثنایی از نویسندگان جنجالی دنیا، قیمت کتاب‌های دیگر آن قدرها تغییری نخواهد کرد. در واقع این گونه نیست که ناشران و نویسندگان اثر رقمی پیشنهاد بدهند که باعث دو برابر شدن قیمت کتاب بشود.» او با اشاره به تجارب خود در این زمینه می‌گوید: «من حداقل اجازه‌ی سه تا از کتاب‌هایم را خودم گرفتم و به نوعی کپی‌رایت را رعایت کردم. فکر می‌کنم در شرایط ما تا حدودی کدخدامنشی کار را پیش می‌برد. مثلاً برای جیمز فین گارنر، نویسنده‌ی کتاب «قصه‌های از نظر سیاسی بی‌ضرر» که اتفاقاً یکی از کتاب‌های پرفروش آمریکا بود، خودم نامه نوشتم و گفتم من کتاب شما را خوانده‌ام و خیلی خوشم آمده و می‌خواهم آن را ترجمه کنم. دلیل اینکه نامه نوشتم هم این بود که می‌خواهم از شما اجازه بگیرم و اگر شما اجازه ندهید آن را ترجمه نمی‌کنم. البته گارنر بعد از رد و بدل شدن یک سری جزئیات و اطلاعات موافقت کرد و تنها خواسته‌اش این بود که چند نسخه از کتاب را برایش بفروسم. در مورد ترجمه چند شعر از شاعران مختلف هم همین کار را کردم و آن‌ها هم گفتند اصلاً مشکلی نیست و حتی مرا به ناشر ارجاع ندادند. کپی‌رایت به شیوه شخصی با شیوه رسمی

فرق دارد. باید قانون و قراردادی بین‌المللی وجود داشته باشد و به هر حال باید از یک جایی شروع کنیم. این کار طبیعتاً مزایا و معایبی خواهد داشت، اما مزایای آن بیشتر است.»

او به تأثیر رعایت حق انتشار در ادبیات ایران نیز اشاره کرد و گفت: «این یک قرارداد دوجانبه است. بدون شک چنین تعاملی ارتباط و وسیع‌تری را ایجاد می‌کند. اغلب در صحبت‌هایی که با ناشران خارجی داشته‌ام، شاهد بوده‌ام که وقتی اسم ایران را می‌شنوند، قبل از اینکه درباره‌ی کیفیت ادبیات ما نظر بدهند، می‌گویند ما با ایرانی‌ها کار نمی‌کنیم، چون آن‌ها کارهای ما را بدون اجازه چاپ کرده‌اند و ما هم اصلاً نمی‌خواهیم به طرف آثار ایرانی برویم. اما اگر چنین اطمینانی به وجود بیاید، آن‌ها با روی باز و تعامل بیشتری نسبت به آثار ایرانی برخورد می‌کنند و شرایط حضور ما در بازارهای جهانی نیز فراهم می‌شود.»

حسین سنایور، نویسنده و از اعضای انجمن صنفی داستان‌نویسان، با اشاره به اینکه مؤلف و محقق ایرانی با کم‌اعتنایی از طرف ناشر روبه‌روست، گفت: «در شرایط فعلی ناشر احتیاج چندانی به تولید نویسنده ندارد و اگر نویسنده نخواهد شرایط بد قرارداد ناشری را بپذیرد، ناشر هم به راحتی از این کار امتناع و در عوض کتاب‌های خارجی منتشر می‌کند، همان‌طور که امروز بیشتر کتاب‌هایی که در همه زمینه‌ها به بازار می‌آید، کتاب‌های ترجمه است. این موضوع باعث می‌شود اغلب ناشران قراردادهایی را پیش روی نویسنده بگذارند که بیشتر به نفع خودشان است و اعتنایی هم به خواسته‌های حتی به حق مؤلفان داخلی نکنند. در واقع مسائل داخلی نشر ما نیز تابعی از نپیوستن مان به کنوانسیون برن است.»

نویسنده‌ی رمان «خاکستر» نخستین و مهم‌ترین تأثیر منفی نپیوستن ایران به این کنوانسیون را خراب‌شدن وجهه فرهنگی و ملی ما دانست و ادامه داد: «ما از چشم ناشران خارجی به‌عنوان یک کشور دزد شناخته می‌شویم، زیرا در تمام دنیا گویا فقط سه چهار کشور هستند که به این کنوانسیون نپیوسته‌اند و یکی از آن‌ها ایران

است. نشر ما به دلیل عدم تبعیت از قوانین جهانی نشر، همواره بی حساب و کتاب از محصول کار نویسندگان خارجی استفاده کرده است، یعنی نوعی راهزنی فرهنگی. این درحالی است که مسئولان تصمیم گیرنده هم اهمیتی به این موضوع نداده‌اند و اجازه داده‌اند ما در چشم جهانیان به عنوان کشوری بی‌اعتنا به حقوق دیگران و دزد و راهزن شناخته شویم. زبان بزرگ دیگر نپیوستن ما به کمی‌رایت جهانی در درجه بعد این است که وضعیت نشر به نفع کتاب‌های ترجمه و به ضرر کتاب‌های تالیفی شکل گرفته و پیش رفته است. نتیجه‌اش هم طبعاً صدمه زدن به تولید فرهنگی بوده است. در واقع ما اجازه داده‌ایم که به نفع ناشران ایرانی کتاب‌های خارجی، مؤلفان داخلی متضرر بشوند، زیرا کاملاً روشن است که برای نوشتن مثلاً یک رمان ماه‌ها وقت لازم است و این زمان برای کتاب‌های تحقیقی گاهی به چند سال هم می‌رسد و لی ترجمه‌ی یک کتاب تنها یکی دو ماه و حتی (چنان که شنیده‌ام) دو سه هفته‌ای انجام می‌شود. مثلاً کتاب‌های مشهور و پر فروش مثل هری پاتر را تکه‌تکه کرده و به مترجمان درجه سه یا به تعدادی مترجم نوآموز می‌دهند که ظرف دو هفته تا حداکثر یک ماه آن را ترجمه کنند و بعد با کنار هم گذاشتن آن تکه‌ها کل کتاب منتشر شود. در نهایت و معمولاً این دست کتاب‌ها با بدترین ترجمه‌ها هم منتشر می‌شود.»

نویسنده‌ی رمان «نیمه‌ی غایب» افزود: «بارها از زبان نویسندگان و ناشرانی که در نمایشگاه‌های بین‌المللی شرکت کرده و قصد داشته‌اند کمی‌رایت کتاب‌هایشان را به کشورهای دیگر بفروشند، شنیده‌ام که بسیاری از ناشران خارجی حتی وارد گفت‌وگو با ناشران ایرانی نمی‌شوند. آن‌ها می‌گویند شما به کشوری تعلق دارید که کتاب‌های ما را می‌دزدد، پس چرا باید با شما وارد گفت‌وگو و معامله بشویم. در واقع پیش شرط گفت‌وگو با ناشران و آژانس‌های ادبی خارجی پیوستن به کنوانسیون برن و رعایت کمی‌رایت است. اندک کتاب‌هایی هم که تاکنون ترجمه شده‌اند، یا به لطف ناشر خارجی بوده یا آن‌قدر آن انتشارات کوچک بوده که این مسائل

برایش اهمیتی نداشته است.»

سناپور با تاکید بر این موضوع که در این رقابت نابرابر، تولید فرهنگی ما کاملاً بازنده است، گفت: «یکی دیگر از مهم‌ترین تاثیراتی که نبود قانون کپی‌رایت ایجاد می‌کند، بی‌حساب و کتاب شدن کلی وضعیت نشر است؛ در واقع وقتی ما تابع قوانین عام‌تر و بزرگ‌تر نمی‌شویم، نوعی بلبشو و بی‌قانونی را درست می‌کنیم که از تبعات آن پیدا شدن کسانی است که به قوانین داخلی هم‌گردن نمی‌گذارند و زیرزمینی، غیرقانونی و بی‌اجازه کتاب‌های ناشران دیگر را چاپ می‌کند. چنین کسانی به استناد همین نپیوستن به قوانین جهانی و بلبشوی نشر، بی‌قانونی خودشان را توجیه می‌کنند و کارشان را ادامه می‌دهند. یعنی نپیوستن ما به کنوانسیون برن یک بلبشوی فرهنگی درست کرده و ما شاهد انواع مضرات آن از جمله رشد کتاب‌های غیرقانونی و گسترش ترجمه‌های بد هستیم.»

محمدحسن شهسواری می‌گوید از آنجا که کمتر نویسنده‌ای در ایران وجود دارد که درآمد اصلی‌اش از ادبیات باشد، موضوعاتی مثل حقوق مؤلف و کپی‌رایت نیز تاکنون به دغدغه آن‌ها بدل نشده است. به همین خاطر آگاهی صنفی اولین قدم برای پیوستن ما به کنوانسیون برن است.

این نویسنده و از اعضای هیئت‌مدیره‌ی انجمن صنفی داستان‌نویسان در گفت‌وگو با استاد خبری همایش «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها» با اشاره به اینکه انجمن صنفی داستان‌نویسان با هدف ایجاد این دغدغه‌ها در نویسندگان شکل گرفته است، گفت: نویسنده‌ای که یک تا دو سال وقت صرف کتابش می‌کند و تازه معلوم نیست که به چاپ دوم هم برسد، مسائلی مثل فروش کتاب، افزایش ترجمه‌های خارجی و کپی‌رایت برایش آن‌قدرها اهمیت ندارد. درحالی که در زندگی کارمندی‌مان همواره به دنبال آخرین بخش‌نامه‌ها و مزایای شغلی هستیم. چون زندگی ما از این طریق می‌چرخد و این بخش‌نامه‌ها و قوانین برایمان مهم است و اگر جایی بخواهند حقمان را بخورند با همکاران جمع می‌شویم و اعتراض

می‌کنیم. زمانی که تازه کتاب الکترونیک در ایران راه افتاده بود، چند نویسنده پیشنهاد دادند که نشستی برگزار کنیم و این موضوع را از چند وجه، یعنی از نگاه ناشران، مترجمان و ناشران کتاب‌های الکترونیک ببینیم. ما فراخوان دادیم و حدود چهل نفر آمدند. اما به غیر از من و آقای سناپور که برگزار کننده بودیم، نهایت یکی دو نویسنده دیگر آمدند. در حالی که تقریباً همه ناشران مهم آمده بودند و چند مترجم پرکار. چرا؟ چون با اقتصاد زندگی روزمره‌شان گره خورده بود».

نویسنده رمان «مرداد دیوانه» گفت و گو، کار رسانه‌ای و برگزاری همایش‌ها را در این زمینه مفید می‌داند و می‌گوید: «باید از طریق این گفت‌وگوها هم نویسندگان را نسبت به حقوقشان آگاه کنیم و هم مرزهای اخلاق را گسترش دهیم. زیرا امروز برخی ناشران غیرمسئول کتاب‌ها را بدون اجازه ناشر و نویسنده خارجی منتشر می‌کنند و از این کار خجالت نمی‌کشند. اما شاید روزی برسد که رعایت حقوق مؤلف برای ناشران جدا از امور حقوقی به امر اخلاقی بدل شود و این جز با کار رسانه‌ای و آگاهی‌بخشی صورت نمی‌گیرد.»

او در ادامه می‌افزاید: «ما اغلب در این زمینه با دوستان مترجم بحث‌مان می‌شود. آن‌ها می‌گویند برخورد شما مثل ایران خودرو و سایپا است. یعنی می‌گویید ما ماشین بد تولید می‌کنیم و شما جلوی واردات ماشین خوب خارجی را بگیرید. من به آن‌ها می‌گویم اصلاً قبول کنید که من شهسواری پرآید و آقای مورا کامی بنز و لی کسی که می‌خواهد بنز سوار شود باید پول آن را بدهد. الان وضعیت نشر این طور است که ما بنز را از انبار کارخانه خارجی می‌دزدیم و هم قیمت با پرآید وارد بازار می‌کنیم. تازه در طرح‌های عیدانه و پاییزه به مردم می‌گوییم مهم نیست کدام را می‌خرید ما به هر دو به یک اندازه یارانه می‌دهیم. این حتی از وضعیت سینما هم بدتر است که ورود و اکران فیلم خارجی ممنوع است. چون در سینما حداقل فیلم‌های ایرانی با خودشان رقابت می‌کنند نه با هالیوود و بالیوود.»

شهسواری همچنین در زمینه رعایت حقوق مؤلف در قراردادهای نشر نیز

می‌گوید: «وقتی شما ضعیف هستی و از راه ادبیات درآمد نداری، هم ترجمه کتاب خارجی می‌تواند شما را تحت فشار قرار بدهد، هم در قراردادهایی که با ناشرت می‌بندی حق تو پایمال می‌شود. مثلاً ما در همه قراردادهای نشر، بندی داریم که می‌گوید اگر در هر کدام از موارد قرارداد دچار مشکل شدید به یک آدم مرضی‌الطرفین مراجعه کنید. ما هیچوقت نمی‌دانستیم این یعنی چه. یکی از دوستانمان شکایتی از ناشرش داشت و وکیل گرفت. وکیلش به او گفت که تو نمی‌توانی به دادگاه شکایت کنی. چون پذیرفته‌ای به یک نفر سومی که هر دو طرفتان آن را قبول دارید مراجعه کنی. در حالی که ما اصلاً نمی‌دانستیم این بند چیست و قراردادمان را همینطور امضاء می‌کردیم. الان ناشرهایی هستند که قرارداد نمی‌بندند، حق‌التالیف نمی‌دهند یا کارهای غیرقانونی دیگری می‌کنند. مثلاً چاپ اول کتاب را تا سال‌های سال منتشر می‌کنند. یا در قبال معرفی و تبلیغ کتاب هیچ مسئولیتی بر دوش خود حس نمی‌کنند. هر نشر یکی دو کتاب پرفروش دارد که آن هم شانس به دست آمده و بقیه کتاب‌ها را به عنوان فرزندان سرراهی نگاه می‌کند. فرض کنید نویسندگان این ناشران را تحریم کنند و با آن‌ها قرارداد نبندند، اول این که بازار نشر ما بسیار کوچک است و در بهترین حالت پنج ناشر بیشتر نداریم که داستان ایرانی منتشر می‌کنند. مساله دوم این است که همه نویسندگان هم وارد این حرکت اعتراضی نخواهند شد. بنابراین تنها چاره ما در همه زمینه‌ها این است که قوی بشویم.»

او در ادامه تصریح می‌کند: «اما از آن سو نباید ساده‌انگارانه به مسائل نگاه کرد و تنها متوقع بود. نشر به هر حال یک تجارت است. اگر یقین کنیم ناشر و کتابفروش، بدون اینکه با ما دشمنی داشته باشد به دنبال منافع خودشان هستند، آن وقت تازه می‌فهمیم تا وقتی قوی نشویم و نتوانیم مخاطب را در جناح خودمان بیاوریم، عملاً کاری از پیش نمی‌بریم.»

ضحی کاظمی، نویسنده و دبیر انجمن صنفی داستان‌نویسان، از دغدغه‌های

نویسندگان در خصوص حقوق پایمال شده‌شان در قراردادهای نشر می‌گویند: «حقوق بسیاری از نویسندگان در قراردادهای نشر زیر پا گذاشته می‌شود. مثلاً نویسنده‌ای را می‌شناسم که کتاب چندمیش را به یک ناشر خوب داده و این ناشر نه تنها قراردادی با او نبسته، بلکه چیزی هم بابت حق تالیف به او نداده و گفته است همین که ما کتابت را چاپ کرده‌ایم باید خدا را شکر کنی. تن دادن به چنین وضعیتی باعث می‌شود که ناشر نسبت به نویسنده‌های دیگر هم مدعی باشد. البته ناشران هم مشکلات خودشان را دارند. کتاب در ایران فروش نمی‌رود و به تبع آن ناشر ضرر می‌کند. ولی ما از بسیاری حقوق از جمله تبلیغ کتاب هم برخوردار نیستیم. الان برای هرکالایی باید تبلیغ صورت بگیرد. ضمن اینکه در برخی قراردادها وضعیت حق ترجمه‌ی کتاب یا انتشار آن به صورت دیجیتال و صوتی هم مشخص نشده است.»

نویسنده‌ی کتاب «کاج‌زدگی» به دو طرفه بودن این حقوق نیز اشاره می‌کند: «گاهی نویسندگان چاپ اول کتابشان را به یک نشر می‌دهند و چاپ دوم را به یک نشر دیگر. همه‌ی این‌ها مسائلی است که با برگزاری چنین همایشی می‌توان برایشان پاسخ یافت. چراکه این شفاف‌سازی هم به نفع نویسنده است و هم ناشر.»

نویسنده‌ی کتاب «خاک آدم‌پوش» همچنین به برخی مشکلات نپیوستن ما به پیمان برن اشاره کرد و افزود: «سال گذشته فرصتی پیش آمد که به صورت شخصی در نمایشگاه کتاب فرانکفورت شرکت کنم. ناشرانی از ایران در این نمایشگاه حضور داشتند و دنبال این بودند که کپی‌رایت کتاب‌های ایرانی را برای ترجمه بفروشند، اما برای مذاکره مشکلاتی داشتند. به هر حال قرارداد یک چیز دوطرفه است. ما داریم کتاب ناشران خارجی را بدون مجوز و رعایت کپی‌رایت ترجمه و منتشر می‌کنیم و انتظار داریم آن‌ها بیایند و کپی‌رایت کتاب‌های ما را بخرند. البته ناشرانی هم هستند که کپی‌رایت کتاب‌ها را می‌خرند اما این ریسک بزرگی برای ناشر است. ناشر کپی‌رایت کتابی را با مبلغ زیاد می‌خرد و آن را بعد از ترجمه به

ارشاد می‌فرستد. ممکن است کتاب به طور کامل مجوز نگیرد. بعد ناشر باید بابت همه‌ی اصلاحات از ناشر کتاب یا نویسنده اجازه بگیرد که گاهی ممکن است این توافق ایجاد نشود و این برای ناشر مساله‌ساز می‌شود. در واقع مشکلاتی در هر دو طرف وجود دارد که باید برای همه آن‌ها چاره‌اندیشی شود. ما برای جهانی شدن کتاب‌هایمان با مشکلات زیادی روبرو هستیم. یکی از آن‌ها فیلترهای دولتی است که برای فرستادن نویسندگان و کتاب‌ها به بازارهای جهانی اعمال می‌شود و دیگری همین مساله کپی‌رایت که امیدواریم با برگزاری این همایش بتوانیم دست کم به طرح برخی پرسش‌های مهم در این زمینه برسیم.»

دیدگاه‌های مترجمین

آبتین گلکار، مترجم و پژوهشگر زبان روسی، می‌گوید عضویت در کنوانسیون برن ممکن است در کنار اتفاقات خوب، مشکلاتی را نیز به همراه داشته باشد، اما نباید در این ماجرا وارد بحث سود و زیان شد، زیر بزرگترین ضربه این عدم عضویت، ضربه اخلاقی است.

این مترجم با اشاره به برخی نگرانی‌ها درباره وضعیت نشر و افزایش قیمت کتاب‌های ترجمه بعد از پذیرفتن قانون کپی‌رایت، می‌گوید: «هیچ بهانه‌ای دزدی کردن را توجیه نمی‌کند. ما به سادگی از دستاوردهای نویسندگان خارجی استفاده می‌کنیم، بدون اینکه خودمان را ملزم به پرداخت هزینه یا جبران بدانیم. انگار قبح ماجرا برای ما ریخته است. به نظرم باید هرچه زودتر به این کنوانسیون بپیوندیم، ضمن اینکه راه‌هایی هم وجود دارد که این آسیب‌ها را به حداقل برساند.»

او با تأکید بر اینکه پذیرفتن چنین معاهده‌ای می‌تواند هم جنبه‌های مثبت داشته باشد و هم منفی می‌افزاید: «درست است که با پذیرفتن قانون کپی‌رایت، دیگر چند ترجمه مختلف از یک کتاب به بازار نخواهد آمد و لی هیچ تضمینی هم وجود ندارد که کتاب نصیب بهترین مترجم بشود. احتمالاً هر کتاب پرفروشی که به بازار بیاید، مسابقه‌ای بین ناشران به راه می‌افتد که زودتر بتوانند کپی‌رایت آن را بخرند.

ناشران خارجی هم که شناختی روی مترجمان و ناشران ندارند، احتمالاً کتاب را به اولین یا بالاترین پیشنهاد می‌فروشند و لزوماً بهترین کیفیت از آن کتاب به بازار نخواهد آمد. ولی این مشکل هم بالاخره حل خواهد شد. بعد از مدتی ناشران خارجی شناختی نسبت به ناشران و مترجمان ایرانی پیدا می‌کنند، یا وقتی ناشری حق ترجمه کتابی را گرفت و خیالش جمع شد که ناشر دیگری به سراغ کتاب نخواهد رفت، سر فرصت می‌تواند مترجم خوبی برای کتاب پیدا کند و ما از مسابقه نفس‌گیر ترجمه کتاب‌ها نیز خلاص می‌شویم.»

او در ادامه با اشاره به برخی مزیت‌های پذیرفتن این کنوانسیون برای کتاب‌های تالیفی می‌گوید: «رعایت کپی‌رایت تعامل ما را با ناشران خارجی بیشتر می‌کند و نویسندگان ما هم فرصت بیشتری برای عرضه کتاب‌هایشان پیدا خواهند کرد. زیرا تا موقعی که ما جزو بازار جهانی نباشیم، کتاب‌هایمان نیز به دنیا راه پیدا خواهند کرد. این رابطه‌ای دو سویه است که به نفع هر دو طرف است.»

گلکار همچنين درباره نگاه ناشران و نویسندگان خارجی نسبت به ترجمه بدون اجازه آثارشان می‌افزاید: «نگاه‌های مختلفی وجود دارد. به هر حال فارسی، زبان نادری است و ممکن است نویسنده‌ای از ترجمه کتابش به این زبان خوشحال بشود. اگر هم مساله قیمت و تیراژ کتاب برایشان توضیح داده شود، خصوصاً در شرایط امروزی وضعیت ارز، ممکن است خودشان از خیر پول ناچیزی که باید به آن‌ها بدهیم بگذرند. اما همه نویسندگان چنین واکنشی ندارند. خیلی از آن‌ها از ترجمه بدون اجازه کتابشان ناراحت می‌شوند و بدون پول هم اجازه ترجمه آن را نمی‌دهند.»

او با اشاره به وضعیت حقوق مؤلف در داخل کشور می‌گوید: «به نظر می‌رسد وضعیت در اینجا کمی بهتر باشد، چون سازوکارهای قانونی وجود دارد و در صورت کپی غیرقانونی و مواردی از این دست امکان پیگرد قانونی هست، هرچند این پیگیری هم گاه چنان طاقت‌فرساست که خیلی‌ها قید این کار را می‌زنند. در

مناسبات میان مؤلف یا مترجم با ناشر نیز به هر حال قرارداد قانونی وجود دارد. مترجم یا مؤلف باید همان اول قرارداد را با دقت بخواند و هر چیزی را که به ضرر اوست، قبول نکند. بعضی‌ها می‌گویند این قراردادها به سود ناشر و به ضرر مترجم است. از آن طرف ناشرها هم معتقدند که بعضی از مواد قراردادها به ضرر آنهاست. ولی به هر حال وقتی قراردادی امضاء می‌شود یعنی هر دو طرف شرایط را پذیرفته‌اند و اگر موافق نیستند نباید امضاء کنند. در نهایت نیز قراردادها این کارکرد را دارند که اگر یکی از طرفین به تعهدات خود عمل نکرد، طرف مقابل بتواند پیگیری کند.»

گلکار افزود: «حقوق مؤلف برای همه نویسندگانی که از این راه زندگی می‌کنند، موضوع مهمی است و معمولاً نویسندگان تازه کار هستند که تن به هر شرایطی در قراردادهای نشر می‌دهند. ضمن اینکه اینجا هم وجه اخلاقی ماجرا پررنگ‌تر از وجوه دیگر است. خود من وقتی می‌بینم کپی غیرقانونی کتابی از من در اینترنت منتشر شده، بیشتر به خاطر وجه اخلاقی موضوع را پیگیری می‌کنم.»

مژده دقیقی معتقد است بحث پیوستن به کنوانسیون برن جوانب مختلفی دارد که در نظر نگرفتن آنها ممکن است مشکلات تازه‌تری به وجود بیاورد.

این مترجم با تأکید بر لزوم در نظر گرفتن همه شرایط انتشار کتاب در کشورمان می‌گوید: «پیوستن به این معاهده بحث پیچیده‌ای است که باید همه جوانب آن را سنجید. با توجه به شرایطی که امروز در بازار نشر داریم، تنها یک پاسخ مثبت یا منفی قضیه را حل نمی‌کند. چرا که عوامل مختلفی در انتشار کتاب دخیل هستند که شاید این عوامل با قبول کردن یا نکردن کپی‌رایت هماهنگ نباشند و مشکلات تازه‌تری را به وجود بیاورند. ما از یک طرف مشکلات نرخ تبدیل ارز را داریم که از نظر مالی به هیچ وجه جبران‌کننده وجه مالی کپی‌رایت نیست. سوی دیگر ماجرا نیز بازار نحیف نشر ماست که برای هیچ نویسنده خارجی جذاییتی ایجاد نمی‌کند که بخواهد از شیوه‌های رسمی کپی‌رایت کتابش را به ما بفروشد.»

مترجم کتاب «کیک عروسی و داستان‌های دیگر» مساله ممیزی را یکی دیگر

از موانع ما برای ارتباط رسمی با نویسندگان و ناشران خارجی می‌داند و می‌گوید: «ما کارهایی که با ضوابط نشرمان یکی نیست قلع و قمع می‌کنیم و مسلماً هیچ نویسنده و ناشری قبول نخواهد کرد که با چنین شرایطی کتابش را در ایران ترجمه کند. با همه این‌ها نپیوستن ما به کمی‌رایت نوعی بی‌ضابطگی در کار ترجمه ایجاد کرده است. از جمله اینکه توسط هر مترجمی و به هر تعدادی می‌شود یک کتاب را ترجمه کرد، بدون اینکه انتخابی صورت بگیرد.»

دقیقی درباره واکنش نویسنده‌های خارجی نسبت به ترجمه کتابشان در ایران می‌گوید: «نویسنده‌های معروف معمولاً در دسترس نیستند و ما باید با کارگزارانشان تماس بگیریم که اکثر اوقات اصلاً جوابت را نمی‌دهند. چون می‌دانند ما شرایط دلخواهی نداریم که وارد مذاکره با آن‌ها بشویم. کارگزار کسی است که در درجه اول مسائل اقتصادی را در نظر می‌گیرد. وقتی می‌بیند ما حرفی برای گفتن به آن‌ها نداریم اصلاً وقتش را با ما تلف نمی‌کند. اگر ناشران یا مترجمانی می‌گویند به روش‌های دوستانه کمی‌رایت کتابی را می‌خرند، یا اجازه ترجمه کتابی را می‌گیرند، در واقع مواردی استثنایی است و ضابطه نیست. ما با صدقه نمی‌توانیم کمی‌رایت بگیریم. بلکه باید در یک بده‌بستان برابر شرکت کنیم و حقوقی را بدهیم و در مقابل آن حقوقی را نیز بخواهیم. در غیر این صورت کمی‌رایت تنها لطفی از جانب آن‌ها برای ماست. اغلب نویسندگان خارجی وقتی متوجه می‌شوند کتابشان بدون اجازه آن‌ها ترجمه شده تعجب می‌کنند و کارگزارهایشان رسماً می‌گویند شما دزد هستید. البته حق دارند و لی ما هم در شرایطی قرار گرفته‌ایم که انگار مجبور به دزدی هستیم!»

دقیقی می‌افزاید: «البته برخی از آن‌ها شرایط را درک می‌کنند و کوتاه می‌آیند که این هم در واقع همان لطف است. اما این لطف هم ممکن است تنها از طرف نویسنده‌های معمولی اتفاق بیفتد. نویسنده‌های معروف فقط از طریق کارگزارها وارد بحث می‌شوند که آن‌ها هم اصلاً چنین لطفی نخواهند کرد.»

مترجم کتاب «وقتی یتیم بودیم» در ادامه صحبت‌های خود قراردادهای داخلی نشر را نیز دارای ضعف‌هایی می‌داند و می‌گوید: «به نظر مساله اصلی در این قراردادها جدا از همه ضعف‌هایش، بحث ضمانت اجرایی آنهاست. ما از هر نظر وابسته به ناشر هستیم و اگر مبلغ یک قرارداد را در مقایسه با دستمزد یک وکیل در نظر بگیریم، اصلاً برای مترجم یا نویسنده به مقرون صرفه نیست که بخواهد به دنبال شکایت برود. به همین خاطر قراردادهای ما ناشر را در موضع قدرت قرار می‌دهد.»

دیدگاه‌های ناشرین

محمود آموزگار، رئیس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران، با اشاره به اینکه لازمی ورود به بازارهای جهانی، محترم شمردن و رعایت قوانین آن است، می‌گوید: «مهم‌ترین قانون این بازار رعایت حقوق مؤلف است و مهم‌ترین تاثیر پذیرفتن این قانون نیز کوچک ماندن نشر ایران و محدود ماندن آن به همین جغرافیا است. در چنین شرایطی نویسنده‌ی ما، دیگر برای بهتر شدن کوشش نمی‌کند و به تبع آن ادبیات ما هم از حیث اقتصاد و هم از لحاظ تولید محتوا کوچک می‌ماند. درحالی که می‌بینید سینمای ما در جهان توانسته مسیر متفاوتی را طی کند و فیلم‌سازی مثل کیارستمی را داشته‌ایم که با گرفتن جایزه نخل طلا، مسیر را برای حضور سایر فیلم‌سازان در جهان هموار کرد. بعد از آن بود که فیلم‌سازان ما به این بازار توجه کردند و به سمت مخاطب‌سنجی رفتند و از نظر تکنیک فیلم‌سازی نیز خودشان را به سطح فیلم‌سازی دنیا رساندند. تا جایی که الان فیلم‌هایی داریم که اثرشان در کشورهای دیگر اکران می‌شود، اما این اتفاق در ادبیات ما نیفتاده است.»

آموزگار با اشاره به اینکه درحال حاضر تعداد کمی از افراد کتاب می‌خوانند و از این تعداد نیز افراد کمی به خواندن ادبیات بومی اقبال نشان می‌دهند، می‌گوید: «بخشی از این ماجرا به عدم مخاطب‌سنجی نویسندگان ما برمی‌گردد. نویسندگان

ما برای محتوایی که باید تولید شود نیازسنجی نمی‌کنند. از طرف دیگر آن‌ها باید روحیه‌ی مشاهده‌گری داشته باشند، همان‌طور که مثلاً غلامحسین ساعدی داشت. ساعدی سه سال به عنوان طبیب به روستاهای شمال سبلان رفت و بین آن‌ها زندگی کرد و درخشان‌ترین آثارش را نیز در این دوره نوشت. اگر این روحیه‌ی مشاهده‌گری در کنار تجربه‌ی جهانی وجود داشته باشد، می‌توانیم امیدوار باشیم که ادبیات ما مخاطب پیدا کند و به بازار جهانی وارد شود و در کشورهای دیگر نیز خواننده پیدا کند. از سوی دیگر کمک می‌کند که بتوانیم نویسندگانی بزرگی تربیت کنیم که آثارشان حتی به شمارگان میلیونی برسد و اقتصاد نشر هم از این وضعیت نحیف رها شود.»

او همچنین درباره‌ی تاثیر پیمان حق انتشار بر اقتصاد نشر و قیمت کتاب‌های ترجمه گفت: «بحث فروش یا کپی‌رایت کتاب در بازار بین‌المللی قاعده مشخصی دارد. وقتی می‌خواهید رایت کتابی را بخرید صاحب اثر از شما سوال می‌کند که کتاب قرار است در چند نسخه منتشر شود و قیمت آن چقدر است؟ مثلاً شما می‌گویید من می‌خواهم هزار تا از این کتاب چاپ کنم و قیمت آن هم صد هزار تومان است که می‌شود صد میلیون تومان. شش درصد این صد میلیون تومان می‌شود شش میلیون تومان. این شش درصد بالاترین حد تعرفه‌ای است که صاحب اثر از شما مطالبه می‌کند که در سازوکار نشر این رقم عدد خیلی زیادی نیست. در شرایط فعلی اغلب آن‌ها با ما راه می‌آیند و وقتی می‌بینند کاغذبازی این کار خیلی زیاد است با یک نامه اجازه ترجمه کتاب را می‌دهند. پس نمی‌توانیم بگوییم که رعایت کپی‌رایت باعث می‌شود قیمت کتاب خیلی بالا برود و ما نتوانیم از عهده پرداخت آن بریاییم.»

آموزگار تصریح کرد: ماجرا یک جنبه‌ی مثبت دیگر هم دارد. وقتی شما با یک ناشر خارجی برای ترجمه‌ی کتابش قرارداد می‌بندید، اگر چنین قراردادی مورد حمایت قرار بگیرد، ناشر دیگری نمی‌تواند سراغ این کتاب برود، در نتیجه شما

فروش بهتری خواهید داشت و همین مساله باعث رونق نشر می‌شود. از طرف دیگر به تبحر در ترجمه می‌انجامد و مخاطب با ترجمه‌های پاکیزه‌تر و کم‌غلط‌تری روبرو خواهد بود.»

محمدعلی جعفریه، مدیر نشر ثالث، به‌عنوان یکی از ناشرین پر کار حوزه‌ی ادبیات از منافع و مضرات پیوستن به پیمان‌های بین‌المللی حق انتشار می‌گوید: «از آنجا که در کشور ما امکان دسترسی به اطلاعات آزاد از طریق کانال‌های رسمی وجود ندارد، پیوستن به کنوانسیون برن تیغ دولبه‌ای است که می‌تواند در کنار منفعت‌هایش، ضررهایی نیز برای ما داشته باشد.»

او با اشاره به وجود بازارهای رسمی و غیررسمی در عرصه‌ی فرهنگ می‌گوید: «در حال حاضر میان نیاز و تقاضای مردم و آنچه از طریق کانال‌های رسمی عرضه می‌شود تناسبی وجود ندارد، به همین خاطر ما با انبوهی از کتاب‌های قاچاق روبه‌رو هستیم. در واقع همه‌ی کالای فرهنگی ما یک بازار رسمی و یک بازار غیررسمی دارند و همه‌ی مشکلات نیز از همین جا نشأت می‌گیرد. به همین خاطر در مرحله‌ی اول باید این تناقضات را از بین ببریم تا بعد بتوانیم به معاهدات جهانی کپی‌رایت عمل کنیم. الان حدود چهل سال است که یک فیلم خارجی به صورت رسمی وارد ایران نشده است. ولی تقریباً تمام فیلم‌های روز دنیا را زودتر از کشورهای اروپایی می‌بینیم. در عرصه‌های دیگری مثل کتاب هم همین وضعیت برقرار است. خب از نگاه نویسنده‌ی خارجی کاری که ما انجام می‌دهیم، یعنی ترجمه‌ی اثر بدون پرداخت حقوق مؤلف، دزدی است و لی متأسفانه به خاطر شرایطی که داریم مجبوریم به این دزدی شرافتمندانه دست بزنیم.» جعفریه درباره‌ی موضع شخصی خودش نسبت به پیوستن یا نپیوستن به پیمان‌های بین‌المللی حق انتشار می‌گوید: «من با پیوستن به کنوانسیون برن موافقم، اما باید شرایط خودمان را نیز در نظر بگیریم. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که نشر ما با ممیزی و فشارهای مالی بسیاری روبه‌روست. تصور کنید که شما قرارداد کتابی را با یک ناشر خارجی

می‌بندید. صاحب اثر یا ناشر هیچ کدام موافق این نخواهند بود که شما کتاب را با ممیزی منتشر کنید. شما کتاب را ترجمه می‌کنید و کارهایش را انجام می‌دهید و به ارشاد می‌فرستید، آنجا می‌گویند بخش زیادی از اثر باید حذف بشود. این‌ها باعث می‌شود سرمایه‌ی ناشر از بین برود.»

او به تلاش‌های فردی خود و برخی ناشران دیگر برای مذاکره با صاحب اثر و رعایت حقوق کپی‌رایت اشاره می‌کند و می‌افزاید: «واقعیت این است که پرداخت حقوق مؤلف تاثیر چندانی در قیمت کتاب ندارد. شما وقتی شرایط را برای ناشر یا مؤلف توضیح می‌دهید، معمولاً مبلغ خیلی کمی درخواست می‌کنند. مثلاً ما کتابی را به صد یورو یا دویست یورو خریده‌ایم. در برخی موارد هم از اینکه به آن‌ها اطلاع داده‌ایم خوشحال می‌شوند و اصلاً پولی نمی‌خواهند. در واقع این‌طور نیست که بخواهیم بابت یک کتاب پول هنگفتی بپردازیم. اما مشکل ما الان چیز دیگری است. شما الان کپی‌رایت کتابی را می‌خری و آن را ترجمه می‌کنی، فردا چند ناشر دیگر آن کتاب را از روی نسخه‌ی فارسی بازنویسی و منتشر می‌کنند.»

جعفریه از سوی دیگر با رد این موضوع که قراردادهای داخلی نشر بیشتر به نفع ناشر است تا مؤلف گفت: «اول اینکه قرارداد یک چیز دوطرفه است و هر دو طرف باید آن را بخوانند و هر مشکل یا سوالی با آن دارند مطرح کنند. از سوی دیگر ما براساس قرارداد درصدی از قیمت پشت جلد کتاب را به مؤلف پرداخت می‌کنیم و لی در اروپا این درصد از قیمت کتاب فروش رفته پرداخت می‌شود. در ایران ناشران کمی قانون اروپا را اعمال می‌کنند، درحالی که کتاب یک سرمایه‌گذاری مشترک بین حقوق معنوی نویسنده و حقوق مادی ناشر است. الان شما در انبار ناشران کتاب‌هایی می‌بینید که سال‌های پیش چاپ کرده و همان سال اول هم حقوق مؤلف را پرداخت کرده‌اند، اما کتاب فروش نرفته و روی دست ناشر مانده است.»

دیدگاه سیاست‌گذاران

آقای علی اصغر سیدآبادی، به‌عنوان نویسنده و نیز سیاست‌گذار دولتی، با اشاره به

برخی از نتایج عدم پابندی به پیمان‌های بین‌المللی در گفت‌وگویی با استاد خبری همایش می‌گوید: «به خاطر نبود قانون کپی‌رایت و قتی ناشری کتاب پرفروشی منتشر می‌کند، هیچ تضمینی وجود ندارد که یک ناشر دیگر ترجمه دیگری از همان کتاب را روانه بازار نکند که این مساله به ضرر اقتصاد نشر خواهد بود. اگرچه نپیوستن ما به کنوانسیون برن برای حمایت از آثار ادبی، در برخی از حوزه‌ها به کتاب‌های تالیفی نیز آسیب وارد می‌کند، اما به نظرم اشکال اساسی این است که ترجمه و انتشار کتابی که حق‌التألیف آن به نویسنده یا ناشر پرداخت نشده، کاری غیراخلاقی است.»

او این شرایط را یکی از موانع انتقال کتاب‌های ما به بازارهای جهانی دانست و درباره‌ی دلایل برخی از مخالفان این معاهده گفت: «استدلال مخالفان پیوستن به کنوانسیون برن این است که دسترسی ما به منابع خارجی محدود و قیمت کتاب‌های ترجمه بیشتر خواهد شد. آن‌ها این تفکر را در پوشش چنین استدلالی ارایه می‌دهند که انتقال دانش به ایران دچار مشکل می‌شود. این بحثی است که اغلب ناشران کتاب‌های دانشگاهی مطرح می‌کنند. اما در این موضوع مغلط‌ای وجود دارد. اول اینکه انتقال دانش‌های جدید لزوماً با کتاب صورت نمی‌گیرد و دوم اینکه مخاطبان دانش‌های جدید هم عموم مردم نیستند، بلکه افراد معدودی هستند که آن‌ها هم به کتاب‌ها و مجلات خارجی دسترسی دارند.

مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین با تأکید بر اینکه عدم عضویت ایران در کنوانسیون برن، به ایجاد نوعی رانت در حوزه‌ی کتاب‌های کودک و نوجوان دامن زده است گفت: «در غیاب قانون کپی‌رایت قیمت تمام شده کتاب‌های ترجمه بسیار ارزان‌تر از کتاب‌های تالیف است. این موضوع در حوزه‌ی کتاب‌های کودک و نوجوان بسیار بیشتر است و معضل مهمی برای نویسندگان و تصویرگران داخلی به شمار می‌رود. برای انتشار یک کتاب تالیفی مصور، ناشر هم باید حق‌التالیف نویسنده را بدهد و هم حق‌التصویر تصویرگر را، ضمن اینکه انتشار

این کتاب‌ها نیز به زمان طولانی تری نیاز دارد، درحالی که کتاب‌های خارجی به سرعت ترجمه می‌شوند و تصویرهایشان نیز کپی می‌شود که این روند برای ناشر هزینه‌ی کمتری دارد و لی در همه جای دنیا خرید رایت کتابی از یک کشور دیگر پرهزینه‌تر از تالیف کتاب است. در حوزه کتاب‌های داخلی قانون نسبتاً خوبی در زمینه کپی‌رایت وجود دارد، اگرچه ممکن است در اجرا اشکالاتی داشته باشد، محاکم قضایی درباره‌ی آن آموزش ندیده باشند یا حتی برخی از نویسندگان از حقوق خودشان مطلع نباشند که بهتر است این اشکالات با تصویب لایحه‌ی جدید برطرف شود، اما موضوع اساسی پیوستن ما به کنوانسیون برن است و به نظر برای حل این مشکل بد نیست نگاهی به نام کشورهای بین‌المللی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند. واقعاً حیف است که اسم ایران کنار اسم این کشورها باشد، درحالی که بسیاری از کشورهای دنیا به این کنوانسیون پیوسته‌اند و از مشکلات آن نیز عبور کرده‌اند.»

هدف گذاری مسیر پیش مطالعات همایش

در راستای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و تجارب کسانی که در این سال‌ها به برگزاری جلسات هم‌اندیشی پیرامون موضوع حق انتشار و مالکیت ادبی آثار همت گماشته بودند، تیم اجرایی به بررسی سابقه‌ی همایش‌ها و نشست‌های مرتبط برگزار شده در ده سال اخیر پرداخت.

«دفتر حقوقی و امور مالکیت معنوی» وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مدیریت خانم لادن حیدری از ۱۳۹۰، هر ساله، سمیناری با عنوان «همایش ملی حقوق مالکیت ادبی، هنری و حقوق مرتبط» برگزار می‌کنند. به‌منظور کمک گرفتن و هم‌فکری با برگزارکنندگان این همایش، بعد از مکاتبات و تماس‌هایی با معاونت حقوقی، جلسه‌ای با سرکار خانم اعظم صمدی، معاون خانم حیدری، برگزار شد که طی آن، از اولویت‌ها و مشکلات عمده‌ی حقوقی مؤلفین و همچنین ناآگاهی افراد از ظرفیت‌های قانونی موجود صحبت شد. ایشان ضمن ارائه‌ی توصیه‌هایی

ارزشمند، تعدادی از تولیدات مکتوبِ همایش را در اختیار گذاشتند. با توجه به توصیه‌های معاونت حقوقی و مطالعات تیم اجرایی، ضرورت هم‌فکری با حقوق دانان صاحب نظر برای تبیین محتوا و محورهای همایش احساس می‌شد. به این منظور، با آقایان عبدالله یوسف زادگان و کاوه راد، از وکلای دادگستری و فعالان اجتماعی که سابقه‌ی طولانی مواجهه با پرونده‌های حقوقی مرتبط با مالکیت معنوی داشته‌اند، جلساتی برگزار شد. طی این جلسات، ماهیت پیمان‌های بین‌المللی، موانع پیش رو برای پیوستن به آن‌ها، قوانین حامی موجود و چگونگی طرح مسئله‌ی مالکیت معنوی در فضای ادبی از منظر حقوقی بررسی شد.

محورهای همایش

با تجمیع دغدغه‌های دست‌اندرکاران حوزه‌ی نشر و با در نظر داشتن سابقه‌ی مباحثات و مجادلات بر سر حق مالکیت فکری مؤلف در چند دهه‌ی اخیر، چند پرسش کلیدی مطرح شد که در طراحی محتوایی همایش «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها» مد نظر قرار گرفت:

۱. چرا به پیمان‌های بین‌المللی حامی حق انتشار نمی‌پیوندیم؟
۲. پیوستن به پیمان‌های بین‌المللی ما را با چه فرصت‌ها و تهدیدهایی مواجه می‌کند؟
۳. نویسندگان، مترجمان، ناشران و دولت چگونه در این زمینه باید باهم تعامل کنند؟
۴. نویسندگان تا چه حد به حقوق قانونی خود آگاه‌اند؟
۵. براساس قوانین فعلی، نویسندگان از چه حقوقی برخوردارند؟
۶. لایحه‌ی پیشنهادی «حمایت از مالکیت فکری» دولت، چه فرصت‌هایی در اختیار نویسندگان می‌گذارد؟
۷. مسئولیت جامعه‌ی ادبی در قبال سامان‌دهی شرایط حقوقی مؤلف چیست؟

برگزارکنندگان همایش «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها» ضمن جستجو برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها، بر افزایش آگاهی و حساسیت عمومی نسبت به مسئله‌ی مالکیت فکری و حق انتشار مؤلف تأکیدی ویژه داشتند، چرا که تلاش‌ها برای تدوین و اجرای قوانین تنظیم‌کننده و حمایت‌گر بدون آمادگی اذهان عمومی لزوماً به نتیجه‌ی دلخواه منتهی نخواهد شد.

یک ویژگی بسیار مهم: آگاهی بخشی عمومی

در طراحی اولیه بنا بود همایش به صورت تخصصی و با همکاری نهادهای دانشگاهی و ارائه‌ی مقالات علمی به دبیرخانه‌ی پژوهشی همایش برگزار شود اما با در نظر گرفتن جميع شرایط و تطابق نیازهای جامعه‌ی هدف با رویکرد همایش مسیر دیگری انتخاب شد.

از آنجا که وزارت ارشاد در سال‌های گذشته به طور متوالی و منظم سلسله همایش‌های سالانه‌ای با محوریت موضوع مالکیت آثار ادبی و هنری از منظر حقوقی برگزار کرده است و گزارش‌های این همایش‌ها به صورت مکتوب در اختیار مخاطبان و علاقه‌مندان و پیگیران هست، تصمیم بر آن شد تا محوریت کیفی همایش بر بعد رسانه‌ای استوار گردد. به این ترتیب با نظر هیئت مدیره‌ی انجمن تصمیم به تقویت ویژه‌ی ستاد خبری گرفته شد. بخش عمده‌ای از بودجه‌ی همایش به تمهید تیم خبری همایش اختصاص پیدا کرد تا ضمن پوشش خبری مناسب قبل، حین و بعد از اجرای همایش، اذهان عمومی را نسبت به مسئله‌ی خطیر حق مالکیت فکری حساس و آگاه کند.

طراحی نهایی فرم و محتوای نشست‌ها

با توجه به گفت‌وگوهای انجام‌شده در این جلسات، فهرستی از صاحب‌نظران حقوقی برای دعوت در همایش تهیه شد. پس از انجام مکاتبات با دفتر حقوقی وزارت ارشاد (خانم‌ها صمدی و حیدری)، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (آقایان سیدآبادی و حیدری)، پژوهشگاه قوه‌ی

قضایه (آقایان کارچانی، شاه‌نوش و حق‌شناس)، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اتحادیه‌ی ناشران (آقایان آموزگار، فروغی و رسولی)، موسسه‌ی نمایشگاه‌های فرهنگی ایران (آقای شاکری)، ناشران، نویسندگان، مترجمان و ویراستاران و جلسات و مصاحبه‌های متعدد با صاحب‌نظران فهرست نهایی مدعوین تدوین شد. همچنین در جلسات گفت‌وگویی که با حضور آقایان یوسف‌زادگان و رضوانی‌راد برگزار شد، با توجه به ضرورت تقویت فرهنگ مطالعه‌گری و پرهیز از نشست‌های بی‌حاصل مقرر شد تا گفت‌وگوها در قالب سه پنل انجام شوند و طی هر یک از این پنل‌ها به چند پرسش مشخص پاسخ‌های صریح و دقیق داده شود.

پنل‌های گفت‌وگو و حاضرین به این ترتیب تفکیک شد:

پنل نهادهای حاکمیتی (با مدیریت آقای عبدالله یوسف‌زادگان)

۱. مدیرکل دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سرکار خانم لادن

حیدری

۲. مدیرکل دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، جناب آقای علی اصغر سیدآبادی

۳. نماینده‌ی محترم مجلس شورای اسلامی، جناب آقای محمود صادقی

۴. معاون پژوهشی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران، جناب آقای سعید حبیبی

پنل ناشرین و پژوهشگران حوزه‌ی نشر (با مدیریت آقای عبدالله یوسف‌زادگان)

۱. ریاست محترم اتحادیه‌ی ناشرین، جناب آقای محمود آموزگار

۲. مدیر محترم نشر ثالث، جناب آقای محمدعلی جعفریه

۳. مدیر محترم نشر افق، جناب آقای رضا هاشمی‌نژاد

۴. نماینده‌ی محترم موسسه‌ی نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، جناب آقای احمد

شاکری

۵. کارشناس محترم مالیات نشر، جناب آقای میرمحسن طاهری

پنل نویسندگان، مترجمین و ویراستاران (با مدیریت آقای کاوه رضوانی راد)

۱. جناب آقای حسین سنابور، نویسنده

۲. جناب آقای امیرحسن چهل تن، نویسنده

۳. سرکار خانم مهشید میرمعزی، مترجم

۴. جناب آقای آبتین گلکار، مترجم

۵. سرکار خانم مهناز مقدسی ویراستار

فهرست سایر مدعوین همایش نیز از این قرار است:

آقایان: ابراهیم حیدری، سرپرست دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ حسین معافی، سرپرست اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان؛ سعید عطایی شاد، مشاور فرهنگی شهرداری کاشان؛ عباس زراعت، حقوق‌دان و رئیس دانشگاه کاشان؛ رضا نقدی، شهردار قمصر کاشان؛ آقای فتح‌الله فروغی، مدیرمسئول انتشارات شورا، عضو هیئت‌مدیره‌ی اتحادیه‌ی ناشران و انجمن ویراستاران کشور؛ هومن عباسپور، سرویراستار نشر چشمه و عضو هیئت‌مدیره‌ی انجمن ویراستاران کشور؛ خانم‌ها: آسیه جوادی، نویسنده؛ ضحی کاظمی، نویسنده و از اعضای هیئت‌مدیره‌ی انجمن صنفی نویسندگان؛ نسیم مرعشی، نویسنده؛ عالیه عطایی، نویسنده؛ آیدا مرادی آهنی، نویسنده؛ فرحناز علیزاده، نویسنده؛ سودابه فرضی پور، نویسنده؛ نازنین جودت، نویسنده؛ میترا صادقی، نویسنده؛ شهلا آبنوس، نویسنده؛ آلاله سلیمانی، نویسنده؛ سوگند دهکردی‌نژاد، نویسنده؛ افسانه احمدی، نویسنده؛ الهام فلاح، نویسنده؛ تکتم توسلی، نویسنده؛ پری رضوی، نویسنده؛ نرگس مساوات، مترجم؛ آقایان: جواد مجابی، نویسنده و شاعر؛ احمد پوری، نویسنده، مترجم و رئیس هیئت‌مدیره‌ی انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران؛ حسن شهبواری، نویسنده و از اعضای هیئت‌مدیره‌ی انجمن صنفی نویسندگان؛ محمد حسینی، نویسنده؛ امیر خداوردی، نویسنده؛ کامران محمدی، نویسنده؛ حسن محمودی، نویسنده؛ محسن حکیم‌معانی، نویسنده؛ امین حسینیون، نویسنده

و کیوان ارزاقی، نویسنده.

کاشان، پایتخت کتاب

شهر کاشان، پایتخت کتاب کشور در سال ۱۳۹۶، به پیشنهاد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به‌عنوان شهر محل برگزاری همایش انتخاب شد. در جلسه‌ای که در محل شهرداری کاشان با حضور آقایان ابراهیم حیدری، سرپرست دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی فرهنگی، حسین معافی، سرپرست اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان، سعید عطایی شاد، معاون فرهنگی شهرداری کاشان و تنی چند از مسئولین شهر کاشان برگزار شد، ۸ و ۹ شهریور ماه به‌عنوان زمان و دانشگاه کاشان به‌عنوان محل برگزاری تعیین شد.

پس از این نشست با سرکار خانم عطیه جوادی راد، از فعالین ادبی شهر کاشان و از گردانندگان "خانه‌ی تاریخی احسان" و "انجمن هزار افسانه‌ی شهرزاد"، جلسه‌ای برگزار شد تا برای حضور حلقه‌های ادبی شهر کاشان در این همایش هماهنگی‌های لازم صورت پذیرد.

جزئیات برنامه‌ی برگزاری همایش در مجمع عمومی انجمن صنفی نویسندگان که در تاریخ ۹ مرداد برگزار شد، برای اعضا توضیح داده شد و از علاقه‌مندان برای شرکت در همایش ثبت‌نام به عمل آمد.

بنا به درخواست ریاست محترم دانشگاه کاشان، جناب آقای دکتر عباس زراعت، در تاریخ ۱۷ مرداد جلسه‌ای با حضور آقایان عطایی شاد و معافی برگزار شد تا اهداف و برنامه‌ی برگزاری برای ایشان تشریح شود. در پایان این جلسه، نظر به تفاوت رویکردها به شیوه‌ی برگزاری همایش، شهر قمصر به‌عنوان محل جایگزین پیشنهاد شد. سپس در جلسه‌ای جداگانه در دفتر سرپرست اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی کاشان هماهنگی‌های لازم برای برگزاری در محل تازه به عمل آمد.

در تاریخ ۲۹ مرداد طی جلسه‌ای با معاون آقای عطایی شاد، در حضور آقای معافی سالن اجتماعات شهرداری قمصر به‌عنوان محل برگزاری همایش و هتل گلستان

قمرصر به عنوان محل اقامت مدعوین تعیین شد. در همان روز از این دو مکان دیدن شد و هماهنگی‌های لازم به عمل آمد.

همایش «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها»

روز نخست

سینا دادخواه، دبیر همایش، در آغاز همایش دو روزه‌ی «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها» برگزاری چنین نشست‌هایی را گامی در جهت توانمندسازی انجمن‌های صنفی و ایجاد حساسیت مثبت و آگاهی‌بخشی نسبت به چالش‌های حوزه‌ی مالکیت فکری دانست و در ادامه نامه‌ی محمود دولت‌آبادی خطاب به همایش را به نیابت از او خواند:

«چندی پیش که در ینگه دنیا بودم به مناسبت ترجمه و نشر کتاب طریق بسمل شدن جلسه‌ای هم برگزار شد در مرکز نویسندگان نیویورک. در آن نشست از جمله طرح پرسش شد که شما چرا عضو کپی‌رایت نیستید و آیا با اصل آن، یعنی حق مالکیت نویسنده بر آثار خود مخالف هستید؟ من با توجه به پیشینه بحث در اوایل دهه چهل ایران پیرامون این موضوع - بحثی که شخصیت‌هایی چون احمد شاملو، نجف دریابندری، جلال آل احمد و دیگرانی به آن پرداخته بودند - گفتم کپی‌رایت کمکی بیشتر به ترویج و تفاهم ادبی - فرهنگی در کشور ما ایران نمی‌کند، اما از آنجا که جامعه و کشور ما نیاز به قانون‌مداری و قانون‌پذیری دارد و کپی‌رایت ناشران و مترجمان را در دایره حقوق قانونی نویسندگان آثار قرار می‌دهد، من با اصل کپی‌رایت موافق هستم. باز همان‌جا نام بردم از ناشر - مترجمانی که با فقدان کپی‌رایت در ایران، باز همچنان معیاری را اخلاقاً رعایت می‌کنند و با توافق صاحب اثر یا بازماندگان او، اثر یا آثاری را ترجمه و منتشر می‌کنند.

به مثل از اسدالله امرایی نام بردم که مطمئن بودم او چنین هنجاری را در ترجمه رعایت می‌کند. بنابراین شخصاً موافق قانونی شدن حق نویسنده و حقوق تابع آن بر

آثار وی هستم، اگرچه به لحاظ ترجمه اثر یا آثاری از خود به زبان‌های دیگر مشکلی وجود ندارد و همچون عضوی از خانواده کپی‌رایت، حقوقم رعایت می‌شود. اما متأسفانه و معترضانانه می‌گویم که همان حقوق در کشورم ایران، نه فقط رعایت نمی‌شود، بلکه غاصبانه نقض می‌شود و هیچ امکان دادخواهی و دادرسی جدی هم برای من و امثال من وجود ندارد. چون به تاریخچه‌ای که گذرانده‌ایم در جامعه خود می‌نگرم، چرک و نکبت و دروغ و سرقت و سوءاستفاده از آثار خود که شده، بسیار آزارم می‌دهد و باید بکوشم تا از ذهن خود نفرت‌زدایی کنم. شرح آن بگذار تا وقتی دگر!

اما به جد پیشنهاد می‌کنم که ابتدا به حقوق نویسنده در کشور خود باید نگریده شود که هر خرچرانی سرش را نیندازد پایین و ارد کشتگاه نویسنده بشود، آنچه برای دکانش لازم دارد سرقت کند برود و فارغ باشد از سوال با این تجربه که وقتی حکومت با نویسنده بدرفتار است و آثار او را هم سانسور می‌کند، پس اثرش را هم می‌توان برداشت و اسم تازه‌ای بر آن گذاشت و به سینما درآورد یا... حالا که دیگر تدارک جعل و نشر اثر هم به نام نویسنده و ترجمه از روی ترجمه کتاب (کلمه به کلمه) در این کشور ابداع شد که از آن اتفاقات واقعاً تاریخی است که مسئولین مربوطه باید سرشان را باز هم بالاتر بگیرند.

خلاصه کنم و صریح بگویم که بی‌قانونی و سرپیچاندن از ستمی که بر نویسندگان وارد شده و روا می‌شود و گفتن اینکه ما که مامور جلب نداریم! ممکن است داری مسکنی به بغض و عناد شما باشد، اما در جای خود این چشم بستن‌ها به حقوق پایمال شده نویسنده، از سانسور تا جعل و تعریف و کمک به آن، دودی است که به چشم خودتان هم خواهد رفت. زیرا ناتوانی در حاکمیت قانون، آنچه تاکنون شاهدش بوده و آزموده‌ایم، فقط نویسنده را فرسوده و دژم‌خو نمی‌کند، بلکه خوره‌ای است به جان شما افتاده تا از دل آن ناباوری بیشتر و هرج و مرج دامن گستر شما را هم بجناباند در پشت آن میزهای موقت. بله، قانون و باز هم قانون.

بالغ بر یکصد سال است که مردم ما خواستند قانون مستقر بشود به جای شازده دوقوزوالدوله‌ها و جیجک صمدقلی خان‌ها و ظل سلطون‌ها و غیره... اما هنوز معضل به راه حل منطقی خود نرسیده، چنانچه در عرصه‌های دیگر اجتماعی هم شاهد هستیم. پس فقط لب می‌گزیم، غصه می‌خوریم و پیر و پیرتر می‌شویم و با احساس اهانت روزگار می‌گذرانیم از اینکه یا قانونی وجود نداشت که نویسندگان در پرتو آن قرار بگیرد، یا قانون وجود داشت و آن هم مصادره به مطلوب شد. اما پرسش همچنان باقیست که اکنون چه؟»

سخنان رئیس هیئت مدیره‌ی انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران

در ادامه، احمد پوری، رئیس هیئت مدیره‌ی انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران، پشت تریبون آمد تا ضمن خوش آمدگویی به طرح مسئله بپردازد: «مسأله‌ی رعایت حقوق پدیدآورنده اثر مدت‌هاست که بخشی از وجدان ما را درگیر کرده و از زمانی که انجمن را تشکیل دادیم درصدد عمومی‌تر شدن آن بودیم تا بتوانیم کاری درباره آن انجام دهیم. همه ما به نحوی با این مسأله روبه‌رو بوده‌ایم. خود من بارها در تاکسی شعری از نرودا شنیده و هیچ اشاره‌ای از نامم به‌عنوان مترجم ندیده‌ام. ۸، ۹ سال پیش هم دوستی با من تماس گرفت و گفت کتابی منتشر شده که حدود ۲۰ شعر از تو در آن آمده است، درحالی که من اطلاعی از آن نداشتم. اگر چه چند کلمه از شعرها تغییر کرده بود که مثلاً مه‌ری از صاحب اصلی بر آن باشد.»

سخنرانی استاد جواد مجابی

پس از صحبت‌های شهردار قمصر و رئیس دانشگاه کاشان، جواد مجابی، شاعر و نویسنده‌ی پیشکسوت کشورمان، پشت تریبون قرار گرفت تا پیش از شروع اولین پنل گفت‌وگو، از تجارب و نظرات خودش پیرامون مسئله‌ی حق انتشار بگوید. مجابی با اشاره به اینکه این همایش دومین جلسه‌ای با موضوع کپی‌رایت است که در آن شرکت می‌کند، گفت:

«اولین بار در سال ۵۵-۵۶ این موضوع مطرح شد که در آن جلسه ایرج افشار،

کریم امامی، احسان نراقی و شاید نجف دریابندری حضور داشتند و طبیعتاً هیچ نتیجه‌ای از آن جلسه حاصل نشد. تنها چیزی که یادم است نراقی در آن جلسه گفت مسئله عجیبی به نظر می‌رسد. عده‌ای از دختران در دانشگاه روسری سر می‌کنند، فکر می‌کنید منشأ آن چه می‌تواند باشد. کسی هم در آن جلسه جواب این سوال را نداد. بی‌گمان مسئله مالکیت فکری در این مملکت به هیچ وجه مورد استفاده نیست و اعتباری ندارد. بسیاری از آثار خارجی در زمینه موسیقی، سینما و ادبیات مورد تعرض و تجاوز قرار می‌گیرد و کسانی هستند که منافع آن‌ها اقتضا می‌کند که در برابر مصلحت کشور و مصلحت فرهنگی و اعتبار و آبروی مملکت جبهه بگیرند.

امروز بازی‌های زبانی بین ما وجود دارد که به ظاهر فریبده هستند و لی باطن موحشی دارند. گاهی زبان به وسیله مسئولان خراب شده و پاره‌ای از کلمات و اصطلاحات ایجاد می‌شود، مثلاً می‌گویند "تعدیل نیرو" یا وقتی می‌خواهند فرهنگ دهاتی را بر مدنیت شهری تحمیل کنند، از اصطلاح "مهندسی فرهنگی" استفاده می‌کنند. یا از اصطلاح "بار وظیفه بر دوش سنگینی می‌کند" که مربوط به دوره حمالی است استفاده می‌کنند. باید دید این کلمات از چه فضایی آمده است. همین قضیه، ادبیات حمالی و نقالی را در بخشی از مطبوعات و ادبیات خودمان تعمیم می‌دهم. ما تولیدات ادبی و فرهنگی دیگران را می‌گیریم و عیناً نقل می‌کنیم؛ که ادبیات اساسش حمالی و نقالی است. در مطبوعات درباره درید/ مقاله‌های زیادی نوشته می‌شود اما درباره ملک الشعرا یا بهار یا صادق چوبک، چون سواد و مطالعه می‌خواهد، مطالبی نوشته نمی‌شود.

"مهندسی معکوس" از آن واژه‌هاست که در نوشته، موسیقی و فیلم تجربه می‌کنیم و قطعات آن‌ها را به اسم خودمان بازسازی می‌کنیم و می‌گوییم دانشمندان ما با مهندسی معکوس به اینجا رسیده‌اند. آنچه اهمیت دارد، مهندسی مستقیم است. در زمینه موتاژ و تقلید، مرتب کارهای دیگران را برمی‌داریم و به اسم خودمان منتشر

می‌کنیم. این مساله شاید در یک دوره کوتاه خوشایند کسانی باشد که به آمارها توجه دارند و لی دیری نخواهد پایید که رسوا خواهند شد. مهندسی فرهنگ وجود ندارد، باید فرهنگ را اعتلا داد. کپی رایت اجازه می‌دهد مهندسی معکوس در زمینه فرهنگی، مسائل فکری و مسائل صنعتی را در جایی متوقف و داشته‌های اندک خودمان را از چیزهای عاریتی جدا کنیم و به آنچه داریم بازگردیم.

در صنعت نشر ما، ترجمه حرف اول را می‌زند و بعد از آن کتاب‌های مردگان که ناشران با آن‌ها جان می‌گیرند و بعد آثار مؤلفان که این نیز طبیعی است. اما در کشورهای دیگر نویسندگان و پژوهشگران آثار خود را عرضه می‌کنند و بعد از آن است که ترجمه اهمیت دارد. نباید نشر مملکت‌مان را به سمت ترجمه ببریم، تنها به این دلیل که ارزان و سودآور است و کمتر دچار سانسور می‌شود.

این کار با موعظه و اخلاق درست نمی‌شود، بلکه باید پایه قانونی داشته باشد. بالاخره یک روز باید به این قرارداد بین‌المللی بپیونددیم که بیش از این ما را دزد و خاطی نپندارند.

نشست اول: گفت‌وگو با نهادهای حکومتی

اولین پنل همایش با عنوان «گفت‌وگو با نهادهای حاکمیتی» با حضور محمود صادقی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، لادن حیدری، مدیر کل دفتر حقوقی و مالکیت معنوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکتر سعید حبیبی، حقوقدان و استاد دانشگاه تهران و علی اصغر سیدآبادی، مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در امور برنامه‌ریزی فرهنگی به مدیریت عبدالله یوسف‌زادگان برگزار شد.

عبدالله یوسف‌زادگان پس از ارائه‌ی شرحی مختصر از تاریخچه‌ی بحث‌های مربوط به مالکیت آثار ادبی در کشور از حاضرین پنل خواستند تا با توجه به دانش و تجربیات خود در این حوزه از قوانین حمایتی موجود و ظایف قوا در قبال حفاظت از مؤلف در برابر سوءاستفاده‌کنندگان و وضعیت لایحه‌ی جامع حمایت از مالکیت

آثار هنری و ادبی بگویند.

سعید حبیببا اشاره به اینکه دفاع از حقوق صاحب اثر وظیفه خود اوست و نه دولت، گفت: «صاحب اثر باید شکایت کند تا زمینه پیگیری دولت به وجود بیاید و وظیفه انجمن صنفی داستان‌نویسان است که این فضا را ایجاد کند. یکی از عوامل کاهنده‌ی دزدی مالکیت ادبی، الحاق به سازمان‌های جهانی است. اما ناشران اغلب از مخالفان این الحاق هستند و می‌گویند پیوستن به معاهده‌های بین‌المللی باعث می‌شود از کتاب‌های خارجی محروم شویم؛ در صورتی که تمام این حرف‌ها بهانه‌ای بیش نیست و البته راهکارهایی هم دارد.»

محمود صادقی نماینده‌ی مردم تهران در مجلس گفت: «یکی از انگیزه‌های من برای کاندیداتوری مجلس همین مساله مالکیت صنعتی و فکری بود و در هر دو زمینه نیز در مجلس طرح و لایحه وجود دارد که امیدوارم تصویب شوند. حدود ۳۰ معاهده بین‌المللی در زمینه‌های مختلف مالکیت فکری وجود دارد که نشان‌دهنده‌ی اهمیت این موضوع است. کمتر موضوع حقوقی وجود دارد که این تعداد معاهده داشته باشد. بریتانیا مهد کپی‌رایت است که دو انگیزه برای ایجاد آن وجود داشته است؛ سانسور و کسب درآمد. دربار شاهی بریتانیا پس از اختراع چاپ که باعث سرعت تبادل افکار شد، به دنبال تمهیدی برای کنترل تبادل افکار بود و اساساً دلیل پیدایش آن حمایت از مؤلف نبود، بلکه امتیازی بود که دربار به ناشر می‌داد. این امتیاز در بستر زمان تحول پیدا کرد و از مکانیزی برای سانسور و حمایت از ناشر، به قانونی برای حمایت از مؤلف تبدیل شد.»

صادقی با اشاره به اینکه حق، نسبت به همه اموال دائمی است، اما در موضوع کپی‌رایت با مساله موقتی بودن حق روبه‌رو هستیم، گفت: «در حال حاضر ما حق هیچگونه تعرضی در اموال دیگران را نداریم، اما در آثار ادبی و هنری به خودمان این حق را می‌دهیم. مثلاً دانشجو یک نسخه از کتاب را کپی می‌کند، در حالی که در کشورهای پیشرفته پولی بابت این کپی پرداخته می‌شود.»

او به قدیمی‌ترین قوانین مربوط به حقوق مؤلف اشاره کرد و افزود: «قدیمی‌ترین قانون همان قانون اصول محاکمات مربوط به ۱۳۰۲ است. در ۱۳۰۴ ثبت علامات صنعتی و تجاری را تصویب کردیم و در ۱۳۰۹ عهدنامه بین ایران و آلمان در حمایت از مالکیت امضاء می‌شود. در ۱۳۱۰ قانون ثبت علامات اختراع هم به آن اضافه می‌شود و هم‌زمان در قانون مجازات عمومی برای اولین بار از کپی‌رایت حمایت می‌شود که مجازات‌هایی از ۱۰۰ تا ۵۰۰ تومان برای تکثیر غیرمجاز تعیین می‌شود. این ماجرا ادامه دارد تا سال ۱۳۴۸ که قانون نسبتاً جامعی در این زمینه داریم. تنها چیزی که نداریم قلمروی اجرای این قانون برای حمایت از آثاری است که اولین بار در ایران منتشر می‌شود. اکثر ذی‌نفعان اطلاعاتی از این قوانین ندارند و دادگاه‌ها هم اشراف کافی روی موضوع ندارند، اما رای می‌دهند. در محاسن و آثار مثبت کنوانسیون برن بسیار نوشته و گفته شده است، از جمله اینکه اگر کشورهایی بخواهند در ایران سرمایه‌گذاری کنند، معیارشان عضویت در این معاهده است. در حالی که امروز مثلاً به‌طور متوسط در لپ‌تاپ هر ایرانی حداقل ۵۰۰۰ دلار نرم‌افزار تقلبی وجود دارد.»

در ادامه‌ی این نشست نیز لادن حیدری با اشاره به لایحه‌ای که در سال ۱۳۸۲ به مجلس فرستاده شده، گفت: «هنوز معتقدیم این لایحه نیاز به اصلاح دارد که دکتر محمود صادقی، مسئولیت این موضوع را در مجلس برعهده گرفته است. اما یکی از دلایل عمده نوشتن این لایحه تکثیر قوانین در این زمینه بود، قوانینی که هیچ شباهتی به هم نداشت. تلاش کردیم در این لایحه ضمانت‌های اجرایی، ایجاد مقرراتی در زمینه انتقال حقوق مادی و تکنولوژی روز در نظر بگیریم که در این زمینه لازم بود به کشورهایی که در این حوزه تجربیاتی داشتند، توجه می‌شد.»

مدیر کل دفتر حقوقی و مالکیت معنوی وزارت ارشاد افزود: «سال ۹۳ بعد از ۱۵۰ جلسه کارشناسی، لایحه کامل شده به مجلس تقدیم شد که در آن بیشترین توجه را به حقوق پدیدآورندگان داشته‌ایم. اما معتقدم چالش اصلی در عدم رعایت حقوق

مؤلف به فرهنگ‌سازی بازمی‌گردد. ما ماشین دیگری را سرقت نمی‌کنیم اما کتاب دیگری را کپی می‌کنیم، آهنگ دیگری را دانلود می‌کنیم و مشکل این است که این آثار را به عنوان مال در نظر نمی‌گیریم. این درحالی است که خود پدیدآورندگان نیز به دنبال حقوق خود نبودند و به طور طبیعی اگر هم افرادی به محاکم قضایی مراجعه کرده باشند، آرای مناسبی دریافت نکرده‌اند که همین مساله باعث شده تا فکر کنند توجهی به این مساله وجود ندارد. ما از سال ۱۳۱۰ قوانین داخلی برای حمایت از مؤلف داشته‌ایم، اما همین قانون چقدر اجرا می‌شود؟ درحالی که اگر به کنوانسیون برن بپیوندیم، دیگر باید به دنبال اجرای قوانین برویم و وکیل بگیریم. نباید دچار توهم شویم. ما در سال ۳۷ و ۳۸ به کنوانسیون مالکیت صنعتی پاریس پیوسته‌ایم، اما موارد زیادی در زمینه اختراعات صنعتی نقض می‌شود، به همین دلیل معتقدم صرفاً با پیوستن به کنوانسیون برن مشکل ما حل نمی‌شود. چین الان عضو کنوانسیون است، اما رده اول تقلب را در دنیا دارد. به نظرم تشدید مجازات‌ها می‌تواند تاثیرگذار باشد، اما باید نگاهی پیشگیرانه داشت. در این زمینه اما وزارت فرهنگ تنها تصمیم‌گیرنده نیست.»

علی اصغر سیدآبادی نیز در ادامه این نشست گفت: «برگزاری این جلسه هم نشان‌دهنده بحران است و هم امید. این جلسه نشانه یک بحران از رابطه نویسنده با اجزای صنعت نشر و مخاطب است و امیدوارانه است چرا که انجمن صنفی داستان‌نویسان برگزاری آن را برعهده گرفته است. در سال ۴۸ قانون نویسندگان در تدوین قانون حقوق مصنفان با مجلس مروده داشت. اما الان ممکن است ناشران در نوشتن این قانون مشارکتی داشته باشند، اما بعید می‌دانم از نظر نویسندگان در تدوین آن استفاده شده باشد، درحالی که این مروده و نظرخواهی ضروری است.»

نشست دوم: گفت‌وگو با ناشرین و پژوهشگران حوزه‌ی نشر

پس از صرف ناهار و استراحت، دومین پنل با عنوان «گفت‌وگو با ناشرین و پژوهشگران حوزه‌ی نشر» با حضور محمود آموزگار، رئیس اتحادیه ناشران و

کتابفروشان تهران، رضا هاشمی نژاد، مدیر مسئول انتشارات افق و میرمحسن طاهری، کارشناس امور مالیاتی به مدیریت عبدالله یوسف‌زادگان برگزار شد.

عبدالله یوسف‌زادگان پیش از آغاز گفت‌وگو با اشاره به سیر تاریخی مباحث مربوط به حق انتشار و خواندن مقاله‌ای از چنگیز پهلوان با عنوان «حمایت از پدیدآورندگان و انجمن نویسندگان»، گفت: «۲۸ سال پیش پهلوان از انواع قراردادهایی که بین ناشران و نویسندگان وجود داشت، گفته است. اگر قرار باشد به حرف‌های کلی بسنده کنیم، کار درست نمی‌شود. سی سال حرف زده‌ایم، تا سی سال بعد باز هم حرف می‌زنیم.» او در ادامه از رویکرد کلی ناشران نسبت به پیوستن یا نپیوستن به پیمان‌های بین‌المللی پرسید.

رضا هاشمی نژاد تصمیم‌گیری برای خرید حق رایت کتاب در ایران را بسیار دشوار دانست و گفت: «شاید بسیاری از ناشران در مقام حرف به دنبال خرید رایت باشند، اما اطلاع چندانی از مشکلات این جریان ندارند و به نظر می‌رسد ابراز تمایل آن‌ها بیشتر شبیه یک تعارف باشد. یکی از نتایج پیوستن ایران به کنوانسیون برن ایجاد انحصار است. چراکه سرمایه‌داری نتایج خودش را دارد. امکان انتشار هم‌زمان ترجمه کتاب با نسخه اصلی، احساس رضایت شخصی، افزایش استانداردهای نشر کتاب، کاهش قیمت خرید حق‌رایت در شرایطی که هنوز ایران به معاهده کپی‌رایت نپیوسته، آشنایی و حضور در همایش‌ها و رویدادهای بین‌المللی، امکان تماس مترجم با نویسنده با هدف افزایش کیفیت ترجمه، آشنایی با سازماندهی انتشار کتاب در کشورهای دیگر و فرصت بررسی کتاب پیش از ترجمه از مهم‌ترین مزیت‌های خرید رایت کتاب از سوی ناشران ایرانی است.»

هاشمی نژاد یکی از مهم‌ترین رویکردهای انتشارات افق در خرید حق رایت کتاب را، تبدیل آن به ارزش افزوده عنوان کرد و گفت: «با درج عنوان ویژه خرید حق رایت روی جلد کتاب به مرور امتیاز ویژه‌ای برای انتشارات ایجاد شد و زمینه‌ای را فراهم کرد تا مخاطب برای خرید کتاب گران‌تر آمادگی داشته باشد.»

او درباره اینکه چرا انتشارات افق، رایت همه کتاب‌ها را خریداری نمی‌کند، افزود: «ناشر بسیاری از این کتاب‌ها آمریکایی است و با توجه به شرایط تحریم اعلام می‌کنند قادر به مذاکره نیستند یا جرأت این کار را ندارند. برخی از این ناشران نیز با توجه به نوع نگاه‌شان به ایران، تمایلی برای انعقاد قرارداد ندارند. سانسور نیز یکی از دلایل ناشران آمریکایی برای مذاکره نکردن است. وقتی ناشر حق رایت را خریداری می‌کند، تعهد می‌دهد به متن پایبند باشد، اما سانسور، ناشر ایرانی را در جریان مذاکرات دچار مشکل می‌کند. یکی دیگر از مشکلات ناشران ایرانی دریافت مجوز برای انتشار کتاب است. گاهی ناشر هزینه‌ی خرید حق رایت کتاب را پرداخت می‌کند، اما موفق به دریافت مجوز برای چاپ نمی‌شود.»

او در ادامه افزود: «برخی نویسندگان حتی برای ترجمه و انتشار کتاب‌هایشان در ایران پول طلب نمی‌کنند. چهار عنوان از کتاب‌های انتشارات افق بدون پرداخت حق رایت ترجمه و منتشر شده است؛ البته انتشارات افق همیشه برای حفظ ضوابط، حداقل مبلغی را پرداخت می‌کند که با توجه به شرایط فعلی خرید ارز در کشور، این معاملات با دشواری انجام می‌شود. ما اجازه حق نشر ترجمه فارسی کتاب را خریداری می‌کنیم. به عبارت دیگر از نگاه ناشران خارجی و دارندگان حق رایت، مترجم ایرانی به دلیل ترجمه مجرم شناخته نمی‌شود، بلکه کسی که به تکثیر ترجمه کتاب اقدام کند، مجرم است.»

او درباره‌ی هزینه‌ی خرید رایت نیز بیان کرد: «بین ۳۰۰ تا ۵۰۰ یورو برای خرید حق رایت کتاب با شمارگان پنج هزار نسخه به ناشران خارجی پرداخت می‌شود. می‌دانم بسیاری از ناشران در این چانه‌زنی‌ها مبالغ بسیاری را پرداخت کرده‌اند و به اصطلاح ناشر خارجی کوتاه نیامده است. مبالغ سنگین، یکی از موانع خرید رایت بسیاری از کتاب‌ها است. برخی ناشران هم بر سر پرداخت شش ماهه توافق می‌کنند که البته حواله پول از ایران کار بسیار دشواری است و ما برای عبور از این مانع، پول را از طریق یک نهاد مستقر در خارج کشور به ناشر پرداخت می‌کنیم.»

به گفته هاشمی نژاد، یکی از مهم‌ترین فواید خرید رایت کتاب، گرایش ناشران به چاپ آثار تألیفی است. او تصریح کرد: «براساس آمار بیش از ۵۰ درصد تولیدات سالانه انتشارات افق، ترجمه است. درحالی که مثلاً ناشران چینی کمتر از ۱۰ درصد را به چاپ کتاب‌های ترجمه اختصاص می‌دهند. البته باید توجه داشت که آمار کتاب‌های افست در این بررسی محاسبه نمی‌شود. ناشران خارجی با توجه به بار مالی چاپ کتاب‌های ترجمه و پرداخت دو هزینه به ناشر و مترجم در انتخاب کتاب سخت‌گیری دارند. دومین مزیت مهم خرید حق رایت کتاب ایجاد و تقویت ارتباطات بین‌المللی است. براساس آمار فقط ۳۵۰ میلیون نفر از جمعیت جهان زیر پوشش کپی رایت نیستند. این میزان کمتر از ۰.۵٪ است و دو کشور مهم این آمار، ایران و عراق هستند.»

او از مضرات پیوستن ایران به کنوانسیون برن نیز گفت: «عقد قرارداد یکی از دشوارترین مراحل خرید حق رایت کتاب به حساب می‌آید که نیازمند حضور کارشناسان خبره است. برخی از ناشران قراردادهایی منعقد کرده‌اند که از عواقب آن بی‌خبر بودند، از سوی دیگر ناشرانی هستند که به دلیل دشواری تعهداتی که پذیرفتند از چاپ کتاب در ایران منصرف شدند. مذاکره درباره سانسور در شرایطی سخت‌تر می‌شود که بالغ بر ۹۵ درصد از ناشران تسلط اندکی به زبان دوم دارند. ناشران ایرانی عادت کرده‌اند که به ارزانترین روش قانون کپی‌رایت را در ایران اجرا نکنند و شروع این جریان بسیار دشوار است، چرا که براساس شرایط ارزش کتاب‌هایی که با خرید حق رایت منتشر می‌شوند ۳۰٪ بر قیمت آن‌ها افزوده خواهد شد.»

رییس اتحادیه ناشران و کتابفروشان تهران نیز با اشاره به برخی مخالفت‌ها برای پیوستن به کنوانسیون برن گفت: «معیشت برخی از دوستان با پیوستن ایران به کنوانسیون به خطر می‌افتد و طبیعی است که در برابر آن موضع بگیرند. کسانی هم پیوستن به این معاهده را یک اصل جاری می‌دانند که هنوز به نتیجه قطعی نرسیده است. این دو نظر مخالف، ناشی از دیدگاه اقتصادی ناشران حوزه‌های مختلف

است. یکی از مخالفان، فعالان حوزه نرم‌افزار هستند، چراکه معتقدند با امضاء معاهده برن باید هزینه خرید میلیون‌ها نسخه ویندوز را بپردازند. گویا یاد گرفته‌ایم از این نسخه‌ها همواره مجانی استفاده کنیم.»

آموزگار با اشاره به متوقف ماندن لایحه حق مؤلف در مجلس گفت: «زمان صرف شده برای بررسی این لایحه تنها به دلیل تردیدها و ناآشنایی با روح حقوق مؤلف بوده است. از طرف دیگر این لایحه با همه اهمیت خود نتایج کنوانسیون برن را ندارد و از طرف دیگر یک لایحه داخلی است که دولت می‌تواند آن را لغو کند.»

در پایان روز اول همایش دو روزه «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها» ضیافتی به میزبانی انجمن «هزار افسانه‌ی شهرزاد» در خانه‌ی تاریخی کاج، موزه‌ی هنرهای تجسمی منوچهر شیبانی، در شهر کاشان برگزار شد و مدعوین همایش به گپ و گفت با اهالی ادب شهر کاشان پرداختند.

روز دوم

نشست سوم: گفت‌وگو با نویسندگان، مترجمان و ویراستاران

سومین و آخرین پنل با عنوان «گفت‌وگو با نویسندگان، مترجمان و ویراستاران» در روز همایش با حضور امیرحسن چهلتن، حسین سنابور، آبتین گلکار، مهشید میرمعزی و مهناز مقدسی با مدیریت کاوه رضوانی راد برگزار شد.

کاوه رضوانی راد ضمن گله از حضور نداشتن سرکار خانم حیدری و سایر مسئولین حکومتی در سایر پنل‌ها و عدم شنوندگی و پاسخگویی عملی آن‌ها به مطالبات مطرح‌شده، از شرکت کنندگان در گفت‌وگو خواست تا دیدگاه‌های خود را پیرامون مسئله‌ی مالکیت فکری و حق انتشار مؤلف بیان کنند.

در آغاز، امیرحسن چهلتن با اشاره بر ضرورت فوری پیوستن ایران به کنوانسیون برن اظهار کرد: «ما در انزوا قرار گرفته‌ایم و باید عضو این باشگاه جهانی شویم. سیاست‌هایی وجود دارد که این انزوا تشدید شود. از سوی دیگر ما با جریان‌های

موازی قلبی روبه‌رو هستیم که نویسندگان مستقل را ساکت کنند و به کنجی برانند. تمام این دکان‌هایی که ساخته‌اند بازی است و گمان می‌کنند وارد شدن به بازار جهانی کتاب هم با رانت شدنی است، اما ادبیات این گونه به وجود نمی‌آید. کافی است به همسایگان، عرب‌ها و ترک‌ها نگاه کنیم و ببینیم از زمانی که به این باشگاه بزرگ پیوسته‌اند چه اتفاقی برای آن‌ها افتاده است. وقتی به یک رویداد اروپایی می‌روم اغلب سعی می‌کنم کتاب‌های برخی از نویسندگان را که در ایران ترجمه شده برایشان ببرم، اولین واکنش آن‌ها این است که بسیار خوشحال می‌شوند. فارسی برای آن‌ها زبانی مهجور است، اما ترجمه اثرشان به این زبان برایشان جالب به نظر می‌رسد. با این حال از این که چطور اثرشان در ایران منتشر شده است، بی‌اطلاع هستند. عضو نبودن ایران در کنوانسیون برن برای آن‌ها غیرحرفه‌ای بودن ما را نشان می‌دهد. اگر چه سابقه درخشانی از ادبیات کلاسیک ایرانی در ذهن نویسندگان اروپایی وجود دارد، با این حال آشنا شدن آن‌ها با ادبیات امروز ما اهمیت بسیاری دارد.»

در ادامه آبتین گلکار عنوان کرد: «علت موافقت من با این امر، مساله اخلاقی است، با توجه به این که ایران به این کنوانسیون نپیوسته است، شاید مرتکب قانون‌شکنی نشده باشیم، اما از نظر قانونی این مساله به ما آسیب زده و بخشی از دزدی‌هایی که در پایان‌نامه‌های دانشگاه‌ها رخ می‌دهد به همین دلیل است، بخشی از آسیب روزنامه‌های ما نیز همین مساله است، بنابراین پیوستن به این کنوانسیون باعث رشد و تولید فکری می‌شود. فرهنگ‌سازی در این زمینه بسیار ضرورت دارد، شاید تا چند سال پیش برای من اجازه گرفتن از نویسنده عادی نبود، اما اولین باری که به این موضوع احساس نیاز کردم زمانی بود که در نمایشگاه مسکو با ناشران روس مواجه شدم و دیدم که آن‌ها به چشم دزد به ما نگاه می‌کنند. کتاب استالین را که ترجمه کردم، برنده جایزه کتاب سال شدم و ۱۵ سکه گرفتم. در آن زمان می‌توانستم ۵ سکه از آن را به نویسنده روس بدهم و اگر دانش امروز را داشتم، حتماً

بخشی از جایزه را به‌عنوان جبران مادی به او می‌دادم، بنابراین نباید همه چیز را به گردن قانونگذار گذاشت. باید از مرحله اخلاقی به سمت اجازه گرفتن واقعی با پرداخت حق و حقوق صاحب اثر برویم. مواردی بوده که من فقط اجازه اخلاقی گرفتم، اما این کار در فشار قرار دادن نویسنده است، چون به او می‌گویم اگر من آن را ترجمه نکنم مترجم دیگری این کار را خواهد کرد. مساله قیمت کتاب، دلیل موجهی برای نپیوستن ما به کنوانسیون برن نیست. مترجمانی که مخالف پیوستن به کنوانسیون برن هستند، می‌گویند زمانی که کتابی در کشورهای دیگر معروف می‌شود، مسابقه ناشران شروع می‌شود و الزاماً قرار هم نیست که ناشران خوب کپی‌رایت آن کتاب را بگیرند و مانند مزایده‌ای خواهد شد که هر کسی بیشترین پیشنهاد را بدهد آن را می‌گیرد؛ در نتیجه ممکن است کتاب با ترجمه‌ای بد به بازار بیاید. ولی این هم دلیل خوبی نیست، چراکه وقتی ناشر حق‌رایت کتابی را بخرد، زمان بیشتری برای ترجمه در اختیار دارد و امکان ارائه ترجمه بهتر نیز وجود خواهد داشت.»

او با اشاره به بحث‌هایی که درباره نگاه نویسندگان و مترجمان به یکدیگر وجود دارد، بیان کرد: «نویسندگان ایرانی، مترجمان را مقابل خودشان می‌بینند. بین مترجمان و ویراستاران هم همین وضعیت وجود دارد. کسی از دیگری بالاتر نیست. برخلاف تصویری که وجود دارد فکر می‌کنم اگر کتاب‌های ترجمه در بازار ایران منتشر نشود، سهم ادبیات ایرانی در بازار افزایش پیدا نمی‌کند. برای موفقیت یک کتاب باید تمامی عوامل کنار هم باشند. شاید یکی از علت‌هایی که داستان فارسی چندان به سطح ترجمه نمی‌رسد این است که نویسندگان نقش ویراستار را خوب نمی‌شناسند و کتاب را به ویراستار نمی‌دهند. امروز مساله دستمزد برای ویراستاران مهم‌تر از نویسنده است. با این حال وضعیت به گونه‌ای پیش رفته است که ویراستاران برای اینکه کارشان کم‌ارج محسوب نشود، مترجم می‌شوند.»

چهلتن نیز اظهار کرد: شأن مترجمان در این حد است که اگر نبودند تمدن شکل

نمی‌گرفت؛ یعنی ترجمه دانش و فرهنگ از یک زبان به یک زبان دیگر بودند که ما در این نقطه فعلی قرار داریم و اگر مترجمی نداشتیم، نویسندگان ما کمتر از این بودند و عموماً نویسندگان ما متکی هستند بر متون ترجمه. درباره حق الزحمه نویسنده و مترجم باید بگویم که حق ترجمه مترجم بسیار کم است اما در اروپا این طور است که مترجمان کلمه‌ای یا سطری حق ترجمه می‌گیرند که عموماً ثابت است. البته شأن نویسنده یا مترجم که حرفه‌ای است تفاوت‌هایی دارند که ناچیز است و مترجمان اروپایی صنف ضعیفی هستند اما نویسنده از یک مقدار کمترین می‌گیرد، تا بی‌نهایت که به ارج و قرب نویسنده یا اقبال عمومی بستگی دارد.

در ادامه این نشست همچنین مهشید میرمعزی، مترجم زبان آلمانی، اولین و مهم‌ترین دلیل خود برای پیوستن به کنوانسیون برن را مساله اخلاق دانست و گفت: «باید رودر بایستی را کنار گذاشت. من اعلام می‌کنم که کدام کتاب در کدام نشر مجدداً ترجمه شده است. یعنی ناشر کپی‌رایت کتابی را خریداری کرده، اما ناشر دیگری آن کتاب را بدون خرید رایت منتشر کرده است. در برخی موارد کتاب‌ها با همان اسم و حجم کمتر چاپ شده بود. به‌طور مثال کتاب «نیچه‌گره کرد» که نشر نی با پس و پیش کردن جملات منتشر کرده، درحالی‌که من این کتاب را ترجمه کرده‌ام. یکی دیگر از امتیازاتی که کپی‌رایت به ما می‌دهد، داشتن ارتباط مستقیم با نویسنده است. مواردی بوده که با ایرادی در متن مواجه شدم و با نویسنده ارتباط گرفتم و این مساله باعث شده ترجمه اعتبار بیشتری بگیرد. یا در موردی دیگر، نویسنده یک مقدمه اختصاصی برای چاپ فارسی اثرش نوشت. وقتی ناشری کپی‌رایت کتابی را گرفته باشد، دیگر آن را به هر مترجمی نمی‌دهد و این مسابقه ترجمه کلاً قطع می‌شود. چه دلیلی دارد که از یک کتاب ۱۷ ترجمه وجود داشته باشد تنها به این دلیل که فروش می‌رود. متأسفانه در نهایت همه مسائل اقتصادی است.»

در ادامه این نشست هم‌چنین مهناز مقدسی، دبیر انجمن صنفی ویراستاران، با طرح این سوال که کدام ویراستار صاحب مالکیت ادبی است، اظهار کرد: در تمام آثار اشتقاقی حق مادی و معنوی صاحب اثر باید رعایت شود. به اعتبار لایحه ۱۳۴۸ اثر محصول مشترک افرادی تلقی می‌شود که کارشان جدا و متمایز نباشد و حقوق ناشی از این اثر مشاع خواهد بود. هر شخصی که در اثری حق معنوی داشته باشد حق مادی هم دارد و لو این که از حق مادی خود گذشته باشد. از این جهت همان‌طور که نویسندگان برای گرفتن حقوق خود تلاش می‌کنند و ویراستار هم برای این حق تلاش می‌کند.»

چکیده نظرات و نتایج و دست آوردها

چرا به پیمان‌های بین‌المللی حامی حق انتشار نمی‌پیوندیم؟

آقای دکتر زراعت یکی از مهم‌ترین موانع در این زمینه را موانع فقهی می‌دانند و چنین نظری دارند: «ما الان در دوران تقلید هستیم. بعد از مرحوم شیخ طوسی کشور ما و جهان تشیع به مدت ۱۰۰ سال در حالت تقلید به سر می‌برد چون شخصیت شیخ طوسی به گونه‌ای بود که فقها جرأت اظهارنظری خلاف نظرات او را نداشتند. الان هم کم‌وبیش چنین وضعیتی حاکم است.»

مرحوم امام بعد از حاکمیت فقهی بر کشورمان، فتوایی دادند که در تحریرالوسیله‌ی ایشان هم گفته شده و رسماً ایشان حق مالکیت فکری را بی‌اعتبار دانستند. به گفته‌ی ایشان اشکال ندارد اگر ناشری کتاب ناشر دیگری را منتشر کرد، اگر مؤلفی نوشته‌های دیگری را سرقت کرد، از نظر فقهی ایراد ندارد. در دو پرونده‌ای که در این حوزه داشته‌ام و کیل طرف مقابل ما به همین فتوا استناد کرد و رأی گرفت. به‌رغم اینکه قانون و دادگاه هست، اما به‌دلیل اصل تقلید، قضات ما جرأت نمی‌کنند برخلاف این فتوا رأی صادر کنند. و به همین ترتیب قانون‌گذار و شورای نگهبان ما. مقام معظم رهبری هم بحث احتیاط واجب را مطرح می‌کنند

که معنایش این است که شخصاً به فتوای دیگری نرسیده‌ام. پس مشخص است که دادگاه‌ها هم جانب احتیاط را رعایت می‌کنند. باید در فرصتی مناسب‌تر به بررسی ادله‌ی موجود در دفاع از این فتوا پرداخت و آن را در برابر دلیل عقل گذاشت.»

خانم حیدری نیز بر موانع مهمی انگشت گذاشتند: «مخالفت‌هایی جدی با این تصمیمات وجود دارد. همین امروز که ما اینجا هستیم، یکی از انجمن‌های ناشرین نامه‌ای هشت صفحه‌ای خطاب به وزیر فرهنگ فرستاده در مخالفت با کنوانسیون برن. منظورم این است که شما در حالی که در سکوت منتظر پیوستن به کنوانسیون برن هستید، عده‌ای هستند که با هر ابزاری به مخالفت با این عضویت می‌پردازند و صدای آن‌ها هم بهتر شنیده می‌شود.»

در هیئت دولت این بحث مطرح شد که مخالفان می‌گویند مثلاً با اجرای قوانین مربوط به کپی رایت در حوزه‌ی نرم‌افزار، رشد چهارصد درصدی قیمت خواهیم داشت. از ما، به‌عنوان متولی امر، پرسیدند آیا پژوهشی انجام شده که برای این شبهات پاسخ علمی ارائه دهد؟ بر همین اساس لایحه از دولت به وزارت فرهنگ ارجاع داده شد تا پژوهش‌های لازم انجام شود. در حال حاضر بودجه‌ی مورد نیاز تأمین شده و پژوهشگاه وزارت فرهنگ مشغول تدوین پژوهشی درخورد است.

نکته‌ی مهم دیگر این است که تنها دستگاه تصمیم‌گیرنده در این زمینه وزارت فرهنگ نیست. وزارتخانه به‌عنوان متولی فرهنگ و ادب در دولت پیشنهاد پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی را مطرح می‌کند اما تنها نهاد تصمیم‌گیرنده در این حوزه ما نیستیم.»

لایحه‌ی کنونی چه مزایایی دارد؟

شرط پیوستن به کنوانسیون‌های بین‌المللی داشتن قوانین جامع و به‌روز داخلی است. یعنی نمی‌شود که ما به دلیل نقص قوانین از مؤلف خودمان حمایت کافی نداشته باشیم و بعد بتوانیم صرف عضویت در کنوانسیون‌ی مثل برن از مؤلف خارجی در کشورمان حمایت کنیم. این نکته در ارائه‌ی لایحه‌ی جامع برای

سامان‌دهی قوانین داخلی و بعد درخواست عضویت در کنوانسیون برن به دولت از جانب وزارت فرهنگ در نظر گرفته شد.

دلایل عمده‌ای که باعث نوشتن لایحه جدید داخلی در این زمینه شده است، این بود که در حوزه‌ی اسناد قانونی حقوق مالکیت فکری، تکثر قواعد وجود دارد و بعضاً ضمانت‌های اجرایی مجازات‌هایی که برای جرم‌های این حوزه در نظر گرفته شده، مشابه نیست.

انسجام قوانین، یکی از دلایل اصلی تلاش برای تدوین قانونی جامع بود. نیاز به قانون‌گذاری برای انتقال حقوق مادی از دیگر دلایل است. تکنولوژی روز و ابزارهای نوین هم باید در قوانین در نظر گرفته می‌شد که نقض حقوق را تسهیل کرده‌اند.

بدین ترتیب در سال ۱۳۹۳، بعد حدود ۱۵۰ جلسه‌ی کارشناسی در دولت، لایحه از هیئت دولت عبور کرد و تقدیم مجلس شد. از آن سال تا به امروز دفتر مالکیت فکری ارشاد به کمیسیون‌های مختلف مجلس دعوت شده که موادی از این لایحه را بررسی کنند. بیشترین آسیب در همین جلسات کمیسیون‌ها به روند تصویب وارد می‌شد چون کار کارشناسی خاصی انجام نمی‌شد و نظرات عمدتاً فی‌البداهه مطرح می‌شد. در همایشی که وزارت فرهنگ در دو سال گذشته با این موضوع برگزار کرد، از رئیس کمیسیون قضایی مجلس دعوت به عمل آمد که ایشان قول دادند بررسی لایحه را در اولویت‌هایشان قرار دهند. سپس کارگروه‌هایی را در محل وزارت فرهنگ با تولی‌گری مجلس و آقای دکتر صادقی برقرار شد. به‌حمدالله لایحه‌ای که امروز در مجلس به‌عنوان پیش‌نویس نهایی در دستور بررسی است، جامع تمام مقررات بین‌المللی و منافع است. تلاش این بوده تا بیشترین تمرکز بر حقوق پدیدآورندگان و محافظت از این حقوق باشد که انشاءالله با تصویب لایحه محقق خواهد شد.

پیوستن به پیمان‌های بین‌المللی ما را با چه فرصت‌ها و تهدیدهایی مواجه می‌کند؟

وضعیت ما در مسئله‌ی مالکیت فکری بسیار تأسف آور است. طبق آماری که من مشاهده کرده‌ام، ایران از لحاظ رعایت حقوق مالکیت فکری در بین ۱۳۱ کشور جهان در سال ۲۰۱۱ در رتبه‌ی ۱۱۰، در سال ۲۰۱۷ در بین ۱۲۷ کشور جهان در رتبه‌ی ۹۹ و در بین ۱۷ کشور منطقه در رتبه‌ی ۱۲ قرار داشته است که واقعاً شایسته‌ی کشوری مثل ایران با این پشتوانه‌ی فرهنگی نیست. همان طور که گفته شد، بیشترین نگرانی در حوزه‌ی نرم‌افزار است. آمار گرفته‌اند که در لپ‌تاپ هر ایرانی ۵۰۰۰ دلار نرم‌افزار تقلبی هست.

آقای هاشمی نژاد در کنار خلأ قانونی، در حوزه نشر چنین نظری دارند: «اینکه چرا کپی‌رایت تمام کتاب‌ها را نمی‌خریم، یکی از دلایل عمده‌اش این است که بیشتر کتاب‌های ما آمریکایی هستند و ناشران آمریکایی یا به دلیل تحریم‌ها از فروش کپی‌رایت به ما خودداری می‌کنند یا اینکه اصلاً ورای این مسئله، تمایلی به کار با ایران ندارند. سر موضوع سانسور ممکن است با ناشر به توافق نرسیم. اصلاحات جزئی را وقتی اعتمادشان به ما جلب شد، اجازه می‌دهند اما اصلاحاتی مثل حذف یک نام یا تغییر کاراکتری از زن به مرد را اجازه نمی‌دهند. بعد اینکه شما ابتدا کپی‌رایت را می‌خرید، بعد کتاب ویرایش و صفحه‌آرایی می‌شود و برای کسب مجوز به وزارت فرهنگ فرستاده می‌شود. حالا اگر مجوز صادر نشود، شما به هر حال پول را پرداخت کرده‌ای.»

نویسندگان، مترجمان، ناشران و دولت چگونه در این زمینه باید باهم تعامل کنند؟

آقای هاشمی نژاد معتقدند: «سرمایه‌داری تا به حال وارد نشر نشده، چون سودی در آن نمی‌دیده. اما الان شخصاً در جریان هستم که سرمایه‌گذاری وارد بازار نشر شده، هدفمند و به قصد تخریب، کتاب‌های بی‌مجاز ناشر ایرانی را برای ناشر خارجی می‌فرستد و او را از همکاری با این نشرها پشیمان می‌کند. در نتیجه این ترس وجود دارد که روابط ناسالم و ناشفافی که در دیگر فعالیت‌های اقتصادی

کشور حاکم است وارد بازار نشر هم بشود.»

آقای آموزگار به عنوان رئیس اتحادیه ناشران، نظر کلی تری دارند و معتقد به آگاهی‌رسانی حقوقی هستند: «مثل تمام سطوح جامعه، در میان ناشرین هم اختلاف نظرهایی در رابطه با پیوستن به کنوانسیون برن وجود دارد. به خصوص آن ناشرینی که معیشت‌شان به خطر می‌افتد. اما پیوستن به کنوانسیون برن ظرفیت‌های بسیاری را فعال می‌کند.

پیشنهاد به انجمن داستان‌نویسان که تشکیلاتی صنفی است این است که از کمیسیون‌های مربوطه درخواست کنند که لایحه را رسماً به شما ابلاغ کنند. بخوانید و مطالعه کنید و نظرتان را در بازه‌ای زمانی تحویل دهید. این لایحه در صورت تصویب، تأثیر کنوانسیون برن را ندارد. در نتیجه کسانی که منای مخالفت‌شان با این لایحه را کنوانسیون برن می‌گذارند باید بدانند که این یک قانون داخلی است و دولت مختار است آن را اجرا کند یا در صورت نیاز لغوش کند.»

نویسندگان تا چه حد به حقوق قانونی خود آگاه‌اند؟

آقای یوسف‌زادگان به عنوان حقوق‌دان چنین نظری دارند: «اگر نتیجه‌ی این همایش این باشد که نویسندگان و مترجمان حاضر با وضع موجود آشنا شوند و بدانند امکاناتی برای تغییر هست، نتیجه حاصل شده است. از دیگر نتایج مهمی که می‌تواند حاصل چنین گردهمایی باشد، زدودن برخی باورهای غلط از ذهن‌هاست. مثلاً اینکه تصور عموم این است که حق مالکیت فکری، مفهومی مدرن است. خود مسئله‌ی کپی‌رایت، بله، اما در مقوله‌ی سرقت ادبی در کشور خودمان، سابقه‌ای طولانی هست.»

حیدری نیز کانون اصلی چالش را به عدم فرهنگ‌سازی و رعایت نکردن حقوق در کشور ما برمی‌گرداند: «آثار فکری هنوز به عنوان مال در اذهان جا نیفتاده است، همین می‌شود که به راحتی کتاب، فیلم و موسیقی بی‌اجازه‌ی مؤلف تکثیر می‌شود. مسئله‌ی مهم بعدی این است که هیچ‌یک از پدیدآورندگان ما به طور

جدی دنبال حقوق خودشان نبودند و حتی با کمک دولت هم رغبتی به پیگیری حقوق‌شان نداشتند. پس طبیعی است اگر معدودی به دادگاه‌ها مراجعه کرده باشند، آراء مطلوبی به دست نیاورده باشند و شاکی باشند که قوه‌ی قضائیه به این موضوع چندان توجهی ندارد. اما مسئله این است که حتی آن دسته از هنرمندانی که تریبون دارند، مطالبه‌ی جدی‌ای در این زمینه مطرح نمی‌کنند، نه از دولت نه از قوه‌ی قضائیه.»

بر اساس قوانین فعلی، نویسندگان از چه حقوقی برخوردارند؟

آقای دکتر حبیب‌ا در راستای آگاه‌سازی نویسندگان حاضر در همایش، به شکلی جامع این حقوق را بر شمرده‌اند و نویسندگان را تشویق به تأمل بیشتر در این زمینه کردند:

«این را باید بدانیم که بعد از خلق یک اثر، صاحب اثر از دو حق توأمان برخوردار می‌شود؛ یک حق مادی و یک حق معنوی. اینکه در ابتدا گفتیم از عبارت «مالکیت معنوی» استفاده نکنید به این دلیل است که اینجا خلط بحث پیش نیاید. حق مادی صاحب اثری ادبی و هنری یعنی اینکه او حق انتشار اثرش را دارد. حق ترجمه‌ی اثر هم در حوزه‌ی اختیارات مؤلف است. همگی وظیفه داریم اگر مالکیت فکری در کشور مورد توجه نیست، خودمان فرهنگ‌سازی کنیم. مثلاً خودمان دنبال کسب اجازه‌ی مؤلف برای ترجمه‌ی اثر باشیم، اگر این اجازه به ما داده نشد، ترجمه نکنیم. حق مادی دیگر مؤلف، حق اقتباس، تلخیص و تبدیل هم در حیطه‌ی اختیارات مؤلف است. حق استفاده از جایزه و پاداش هم در همین دسته جای می‌گیرد.»

حق معنوی سه حق شسته‌ورفته است: حق حرمت نام - هیچ‌کس نمی‌تواند نام مؤلف اصلی را بردارد و نام خودش را بگذارد. بر اساس قوانین موجود عطف به قانون ۴۸ مجازات‌های سنگینی برای ضایع‌کننده‌ی این حق در نظر گرفته شده که از شلاق تا حبس و غرامت متفاوت است. حق حرمت اثر - کسی نمی‌تواند

بی‌اطلاع مؤلف کوچکترین تغییری در محتوای اثر ایجاد کند. و در آخر حق اجازه‌ی نشر اولیه.

این حرف که اغلب گفته می‌شود ما در کشور کپی رایت نداریم، غلط است. خیر، ما قوانین مربوط به کپی رایت را در کشور داریم اما به معاهدات بین‌المللی نپیوسته‌ایم. این را باید بدانیم که در هیچ جای دنیا اگر نقضی نسبت به اثری اتفاق می‌افتد و وظیفه‌ی دولت نیست که پیگیر باشد بلکه وظیفه‌ی صاحب اثر است که از حق خودش دفاع کند. البته این اعتراض وارد است که قضات ما برای رسیدگی به چنین پرونده‌هایی تربیت نشده‌اند. ولی از بعد دهه‌ی هشتاد و تدوین قوانین جدید متخصصینی تربیت شده‌اند که می‌توانند احقاق حق کنند.»

آنچه که در گفتگوهای تمام کارشناسان حاضر در همایش به چشم می‌آمد تاکید بر حساسیت مثبت حقوقی در میان فعالان و تشویق نویسندگان به پیگیری حقوقی موارد نقض حق مؤلف است.»

وظیفه نویسندگان برای سامان دادن به حقوق ادبی؟

در فقدان سازوکارهای حقوق شفاف و کارآمد نویسندگان راه دشواری برای تحقق خواسته‌هایشان در پیش دارند. اما نبود این سازوکار به معنای هیچ کار نکردن نیست. در ابعاد خرد و کوچک کارهای بسیاری است که می‌توان انجام داد. ارتباط بیشتر با نویسندگان خارجی، تشویق مخاطبان ادیبان به خواندن آثار تألیفی در برابر آثار ترجمه، تلاش برای چانه‌زنی و مذاکره با ناشران، شرکت در بازارها و نمایشگاه‌های جهانی، به بحث گذاشتن کپی رایت ادبی و موارد نقض آن در مصاحبه‌های مطبوعاتی و مجامع عمومی، مطالبه‌گری از نهادهای قانونی از جمله راهکارهایی است که می‌تواند این مسیر سخت و دشوار با تکیه بر ظرفیت‌های جامعه‌ی مدنی هموار کند. با این حال نباید از یاد ببریم که نویسندگان به هیچ وجه نباید از حمایت از تلاش‌های صورت گرفته در نهادهای تصمیم‌گیر نظیر ارشاد غافل شوند.

در نهایت می‌ماند ذکر این نکته که نویسنده باید همواره بر مسئولیت اخلاقی و حرفه‌ای خود تاکید کند و آن را در فضای عمومی بر زبان آورد. کپی‌رایت نیز یکی از جنبه‌های این مسئولیت مدنی است.

جمع‌بندی

با توجه به آنچه گفته شد، اهم آثار این همایش را به شکل خلاصه می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

- حمایت همه‌جانبه‌ی جامعه‌ی ادبی از پیوستن ایران به کنوانسیون برن
- آگاهی یافتن از تفاوت‌های لایحه‌ی اصلاح قانون حمایت از مؤلف با قانون موجود مصوب ۱۳۴۸

- تاکید راهبردی بر کپی‌رایت به مثابه‌ی یک «مسئولیت اخلاقی»
- علاوه بر این سه سرفصل بسیار مهم، چند دستاورد جنبی نیز قابل ذکر است:
- برگزاری یک «رویداد» ادبی و گردهم‌آمدن جامعه‌ی ادبی فعال کشور پس از مدت‌ها
- گفتگو و هم‌اندیشی بی‌واسطه با ناشران، مترجمان و فعالان حقوقی و دست‌اندرکاران دولتی

- آگاهی از مبانی فکری حقوق مؤلف و راهکارهای احقاق آن
- آگاهی از چالش‌های پیش‌روی قانون‌گزاران
- تعامل با فعالان ادبی شهر کاشان به عنوان گامی در جهت دوری جستن از

((مرکزگرایی))

● تشکیل ستاد خبری و فعالیت گسترده رسانه‌ای از ماه‌ها قبل برای حساسیت‌بخشی به موضوع

در همین زمینه دو دستاورد عملی و ملموس بسیار مهم برای انجمن رقم خورد:

● ابراز آمادگی دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای برگزاری کارگاه مالکیت ادبی-هنری در راستای آگاهی‌رسانی

● ایجاد بستر و فرصتی برای طرح نامه انجمن‌های صنفی به ریاست جمهوری در راستای کپی‌رایت

